

مختصرالتواریخ سلیمانی یا تحفه سلیمانی (تاریخ مجدول عالم از آغاز تا عصر صفوی)

یوسف بن عبداللطیف
مقدمه از: رسول جعفریان

تحفه سلیمانی یا مختصر التواریخ سلیمانی اثری در تاریخ عالم از دیرزمان تا عصر اخیر است که اصل آن به ترکی و به نام شاه سلیمان [بن سلطان سلیم عثمانی] (۹۲۶ - ۹۷۴) نوشته شده است. بر اساس مقدمه آن، نویسنده این اثر که یوسف بن عبداللطیف است، آن را از روی تواریخ فارسی و البته به زبان ترکی فراهم آورده است.

نسخه ای از این اثر که به صورت مشجر و در قالبی بدیع تدوین شده، به ایروان رسیده و مورد توجه صفی قلی خان حاکم این دیار قرار گرفته است. این امر به روزگار شاه سلیمان صفوی بوده است. در این وقت، آن اثر، بنابر مقدمه ای که خواهد آمد توسط صفی قلی خان حاکم ایروان به فارسی درآمد و به نام شاه سلیمان صفوی موشح گردیده است. این اقدام در سال ۱۰۷۸ صورت گرفته که در عمل سال دوم سلطنت شاه سلیمان صفوی است.

نسخه ای از این اثر همین است که افسست آن را در اینجا ملاحظه کرده و به شماره ۲۷۱ در کتابخانه مجلس شورای اسلامی ثبت شده است. نامی که در فهرست مجلس برای این اثر آمده مختصر تواریخ سلیمانی است. نسخه دیگری از این اثر در کتابخانه ملک موجود است که به شماره ۴۸۰۹ ثبت شده است. (فهرست ملک: ج ۸، ص ۹۹).

نفاست نسخه مجلس سبب شد تا این متن همراه مقدمه کوتاه آن که حاوی اهم نکات در باره این نسخه و کیفیت تدوین آن است، در اینجا به دستداران مجله عرضه شود. آنچه در باره نسخه مجلس باید بدانیم این است که کتاب تا دوره فتحعلی شاه ادامه یافته و بنابرین کسی

آن را از زمان صفوی که این مقدمه در آن دوره تدوین شده، تا روزگار فتحعلی شاه تکمیل کرده است. آخرین صفحه کتاب، جدولی از فرزندان فتحعلی شاه است که بسیار خوب زینت داده شده است. در باره صحت و سقم آگاهی‌های ارائه شده در این جداول، باید در جای دیگری بحث کرد. آنچه مسلم است، نوع تقسیم بندی‌های موجود در آن، بویژه از دنیای قدیم، بر اساس مشهوراتی است که در دوره جدید، بیشتر آنها مورد تردید و تصحیح قرار گرفته است. با این حال، این سبک نگارش تاریخ، آن هم با استفاده از هنر نقاشی، می‌تواند مورد توجه پژوهشگرانی که در این حوزه تحقیق می‌کنند قرار گیرد.

بسم الله الرحمن الرحيم

تمنّا بذكر من جرى بأمر القلم و تبرّكاً باسم من ثبت به الرقم
حمد بی حد و ثنای بی عد، مر واجب الوجودی را سزد که به مدلول **خَمَرَتْ طِينَةَ آدَمَ بِيَدِي أَرْبَعِينَ صَبَاحًا** پرگار قدرت و ارادتش دایره وجود آدمی را از کتم عدم به صحیفه شهود عالم انگاشته و به مقتضای **و لَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ**، لواء کرامت و رایت فضیلت انسانی را بر مفارق کافّه عالمیان برافراشته، و طغرای **عَزَايَ لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ** را عنوان منشور نامه سلطنت آدم نمود و صیت کوس خلافتش را بر وفق **إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً** از عرصه توده غبرا به مسامح **مَسْبِحَانَ مَلَأَ أَعْلَى رَسَانِيدِ** شعر:

آن گنج خفی نگر و ظاهرشان را تا خلق نکرد حضرت انسان را
شمع است نماینده کس در شب تار هرچند که خود ریخته باشد آن را

و بعد از حمد واجب الوجود، درود فرخنده ورود و صلوات زاکیات و تسلیمات وافیات، نثار مرقد و نور پاک آن صاحب ادراک **ما عرفناک مخاطب به خطاب مستطاب لَوْلَاکَ لَمَا خَلَقْتُ الْإِفْلَاقَ** قایل رموز **كُنْتُ نَبِيًّا وَ آدَمُ بَيْنَ الْمَاءِ وَ الطَّيْنِ** رهنمای اقوم سبیل و پیشوای **وَ مَا مُحَمَّدٌ إِلَّا رَسُولٌ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِ الرُّسُلُ** خورشید فلک و مسقی ماء سپهر سبجان الذی أسری، أعنی محمد المصطفی - صلی الله علیه و آله و سلم - منصب قد چه سرور آزاده تنمه عقل آدمی زاده و بعد از نعت آن سرور منقبت صفدر و بهتری را روا و سزاست که اسد الله الغالب مظهر العجایب و مطلوب کل طالب، امام المشارق و المغارب امیر المؤمنین علی بن ابی طالب که سر حلقه ارباب مناصب دین و مرکز دایره حق و یقین و مورخ اخبار سلف و معرّف اسرار من عرف است - صلوات الله و سلامه علی نبینا و علیه السّلام و آلهما البهّی. شعر

نوشته بر در جنت قضا بخط جلی که جانشین محمد به حق علی ولی

اما بعد بر ضمائر خورشید نظایر ارباب دانش پوشیده نماند که این مجموعه‌ای است مختصر و نامه‌ای است مقتصر در بیان تواریخ و سیر انبیاء و اخبار سلوک ملوک صحت اثر که یوسف بن عبداللطیف از اصل نسخه‌های فارسی معتبر، بنابر التماس ترکی زبانان فارسی مدان، به زبان ترکی مترجم ساخته، به اسم سلطان سلیمان بن سلطان سلیم قیصر مرشح گردانیده بود که مقارن تاریخ شهر شوال - ختم الله بالخیر و

الاقبال - مطابق به سنه ثمان و سبعین و الف من الهجرة النبویة - صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ - به وساطت حمل و نقل تجار از بلاد روم به بلده منصوره ایروان وارد شده، به نظر مطالعه غلام با اخلاص خاندان خلافت نشان، المشرف بتشریف القاب پرورده خاندان شاهی، **صفی قلی خان** حاکم ایروان رسیده، چون خالی از ایجاز الفاظ و غرایب ظاهری ندید، لهذا به ترجمه فارسیه آن قیام نموده، کما کان یکان یکان الفاظ و عبارات ترکیه آن را پیروی کرده، یک سر موی دخل و تصرف نموده، اصلاً چون نقطه پرگار قدم قلم از اصل دایره معنی بیرون نگذاشته، بلازیاده و نقصان آنچه اصل معنی بود به الفاظ فارسی مترجم ساخته، تبرکاً و تیمناً موسوم به اسم سامی و نام مبارک گرامی اعلی حضرت فلک رفعت ملک صفوت بهرام صولت ناهید بهجت مشتری سعادت خاقان اکبر اعظم خدایگان عرصه عالم، باب اوج و **رَفَعْنَاهُ مَكَانًا عَلِيًّا**، بدر عالی قدر برج و **لَقَدْ اصْطَفَيْنَاهُ فِي الدُّنْيَا**، تاج بخش سلاطین کامکار، تخت نشان خواقین عالی مقدار، شهسوار عرصه میدان خاک، فارس یکران افلاک، عامر مبانی اسلام، هادم قواعد اصنام، کھف الثقلین، ملاذ البریة فی الخاقین الذی انتھت سبل السائلین الی بابہ و احضرت ریاض الاملین بسحاب سخائه، مُحیی مآثر العدل و الاحسان، قاصح مآثر الظلم و العدوان، فروزنده شمع دودمان مصطفوی، برافرازنده رایات نصرت آیات مرتضوی، ظلّ الله فی الارضین، خلف خاندان سیّد المرسلین

هو الشمس قدراً و الملوك كواكب هو البحر جوداً و الملوك جداول

اعنی السلطان بن السلطان بن الخاقان بن الخاقان، شاه سلیمان الحسینی الموسوی الصفوی بهادر خان - خلد الله ملكه و سلطانه و أفاض علی العالمین برّه و عدله و احسانه، سخر له رقاب الاعداء فی الاعصار و جعل عمره الشریف اطول الاعمار و بسط ظلّه المبارک علی مفارق كافة الانام لاسیما علی فرق هذا الغلام بحرمة جدّه محمد الرسول علی كافة الانام - صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ، اما بعد، پس پوشیده نماند که ترتیب این آثار و حکایات و ترکیب این اخبار و روایات مترتب بر آن است که از زمان آدم - علیه السلام - تا این زمان، پیغمبران و پادشاهان و بزرگان که نام و نسب هر یک از ایشان سمت تحریر یافته، ظهراً فظہراً تا به آدم علیه السلام بموجبی است که در میان هر دایره، اسم هر یک از ایشان سمت تحریر یافته، و به شرحی که در میان هر صفحه دایره به جهت اسم هر یک از پیغمبران ترقیم یافته و در جانب فوقانی هر صفحه اولاد کیومرث و آل کیان و ملوک طوایف، و در تحتانی هر صفحه اهل جابره و شدادیان و صناید و عثمان و آنچه در خاتمه سلاطین و خواقین صفویه از اولاد صفویه از اولاد طاهره حضرت امیر المؤمنین علی بن ابی طالب - علیه الصلاة والسلام - از جناب رفیع مآب حضرت امام موسی کاظم - علیه السلام - زیور احتشام و حلیه ارتسام یافته.

و مجملاً از زمان حضرت آدم - علی نبینا و علیه السلام - خلق خدا منقسم به دو قسم اند: یک قسم آنهایند که پیش از طوفان نوح - علیه السلام - بوده اند و حقیقت احوال ایشان به جهت حادثه طوفان مضبوط نگردیده، و اسامی آنها از روی صحت و تحقیق ظاهر نشده مگر احوال بعضی از انبیاء - علیهم السلام - که کلام حضرت ملک غلام ناطق بر آن است، و قسمی دیگر آنهایند که بعد از طوفان به عرصه وجود آمده اند و بعضی از اصحاب که در این تواریخ اتفاق کرده اند که مخبر این اخبار و مشعر این آثار و اولاد

بن رمیم بن سام بن نوح است که به ولایت فارس هجرت نموده بود که اهل فارس از نسل اویند و به طریقی که در این نسخه ترکیه سمت تحریر یافته، پادشاهان این جهان دو صنفاند: یک صنف پادشاهانند که پیش از پیغمبر ما بوده‌اند، و صنفی آنهایند که بعد از بعثت آن حضرت - صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آله - بوده‌اند. و آنها که پیش از پیغمبر ما بوده‌اند چهار طبقه‌اند: اول دادانیان یعنی پیش از دادانیان [پیشدادیان] که در تواریخ عجم مذکور است، دوم کیانیان، سیم اشکانیان، چهارم ساسانیان.

و آنها که بعد از پیغمبر ما بوده‌اند، ده طبقه‌اند: اول بنو امیه و ایشان ده نفرند و مدت حکومت ایشان نود و یک سال است. دوم عباسیان و ایشان سی و هفت نفرند و مدت حکومت ایشان پانصد و بیست و سه سال است. سیم سامانیان و ایشان هشت نفرند مدت سلطنت ایشان یک صد و شصت سال است. چهارم سبکتکیانیانند و ایشان چهارده نفرند. مدت سلطنت ایشان یک صد و هفتاد و دو سال است. پنجم دیالمه و آنها پانزده نفرند و ایام دولت ایشان دویست و هفت سال است. ششم خوارزمیان و ایشان هشت نفرند و مدت حکومت ایشان یک صد و دو سال است. هفتم سلجوقیان و آنها چهارده نفرند و ایام دولت ایشان یک صد و شصت و نه سال است. هشتم ملاحده و آنها بیست نفرند و مدت حکومت ایشان یک صد و هشتاد و دو سال است. نهم عثمانیان. دهم چنگیزیان. یازدهم ختم دولت و سلطنت بر خواقین و سلاطین خاندان دولت توأمان صفویه - حُقَّتْ بِالْأَنْوَارِ الْقُدْسِيَّةِ -

مساحت روی زمین، معموره و خرابه سر جمله یک صد و پنجاه و چهار هزار فرسخ است. می‌گوید: از مشرق تا مغرب خشک و تر معموره و خرابه و از این جمله پنجاه و یک هزار فرسخ است صحراها که دیوان و پربان و غولان و معادن در آنجاهاست. و چهل و شش هزار فرسنگ است دریاها، و چهل و سه هزار فرسنگ معموره است و از این جمله دوازده هزار فرسنگ ولایات هندوستان است و شش هزار فرسنگ ولایات روم است و چهار هزار فرسنگ چین و ماچین است و سه هزار فرسنگ ولایات اروس است و هزار فرسنگ سقلاط و سنجاب است و هزار فرسنگ بلغار است و چهار هزار فرسنگ حبشه و زنگبار و یمن است، و هزار فرسنگ یونان است و دو هزار فرسنگ کوه‌هاست که در او مردم خواراند و یک هزار فرسنگ جای دوال پایان است و یک هزار فرسنگ کوه‌هاست که در آنجا معدن یاقوت زرد و سرخ می‌شود، و دوازده هزار و سیصد فرسنگ ولایات اسلام است. کذا قیل فی بعض کتب التواریخ و غیره.

شمار موی سر مبارک حضرت رسول - صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آله - را چنین مذکور ساخته‌اند که سیصد و سی و دو هزار تار است.

می‌گوید - و العهدة علی من قال - قصه حضرت آدم - علیه السلام - یک هزار سال عمر شریفش بود و از زمان آدم علیه السلام تا به زمان پیغمبر ما خاتم النبیین - صلوات الله علیه و آله - بعضی گفته‌اند چهار هزار و سیصد سال است. بعضی گفته‌اند پنج هزار و سیصد و هفتاد و دو سال است. و بعضی از علما شش هزار و یک صد و سی سال گفته‌اند. و اصح اقوال این است.

می‌گوید و حضرت ابوالبشر آدم - علیه السلام - را از حضرت حوا - علیها السلام - یک صد و بیست بطن اولاد به وجود آمد. هر بطنی توأم یک نفر پسر و یک نفر دختر. مشهور اولادش اینهایند که اسامی ایشان

بطناً بعد بطن در دایره‌ها سمت تحریر یافته و چون حضرت آدم داعی حق را لیبک اجابت گفته، شیث پیغمبر - علیه السلام - او را دفن نموده. و در موضع قبر مبارکش اختلاف نموده‌اند. بعضی گفته‌اند در کوه سراندیب است در هندوستان و بعضی گفته‌اند در مکه معظمه در کوه ابوقبیس است.

و بعد از رحلت آدم از این سرای، والده بشر حضرت حوا - علیها سلام - یک سال در حیات بود بعد از آن به رحمت ایزدی پیوست. حضرت شیث علیه السلام او را نزد آدم - علیه السلام - مدفون ساخت. و در زمان طوفان نوح - علیه السلام - ایشان را از مدفن خود بیرون آورده به کشتی گذاشته، بعد از طوفان در بیت المقدس ایشان را مدفون ساخت و اصحّ اقوال آن است که در نجف اشرف ساکن است، چنان که مولانا فضولی - علیه الرحمه - در قصیده حضرت امیر المؤمنین علیه السلام گفته، شعر:

نوح آن که صندوق ... کشتی تک آپارمش پناه

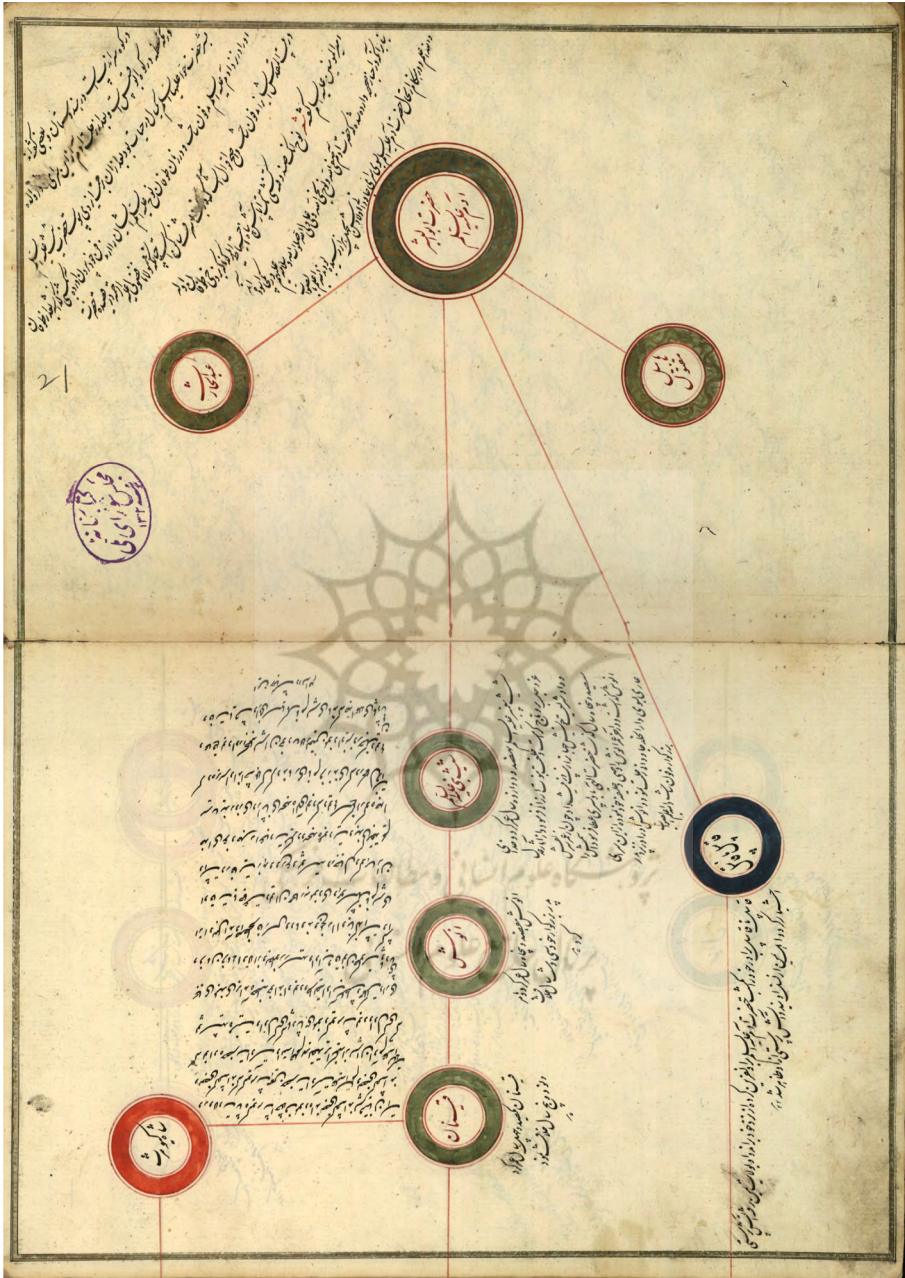
احتیاط ایلر کدنا بزد خی نوح اوله

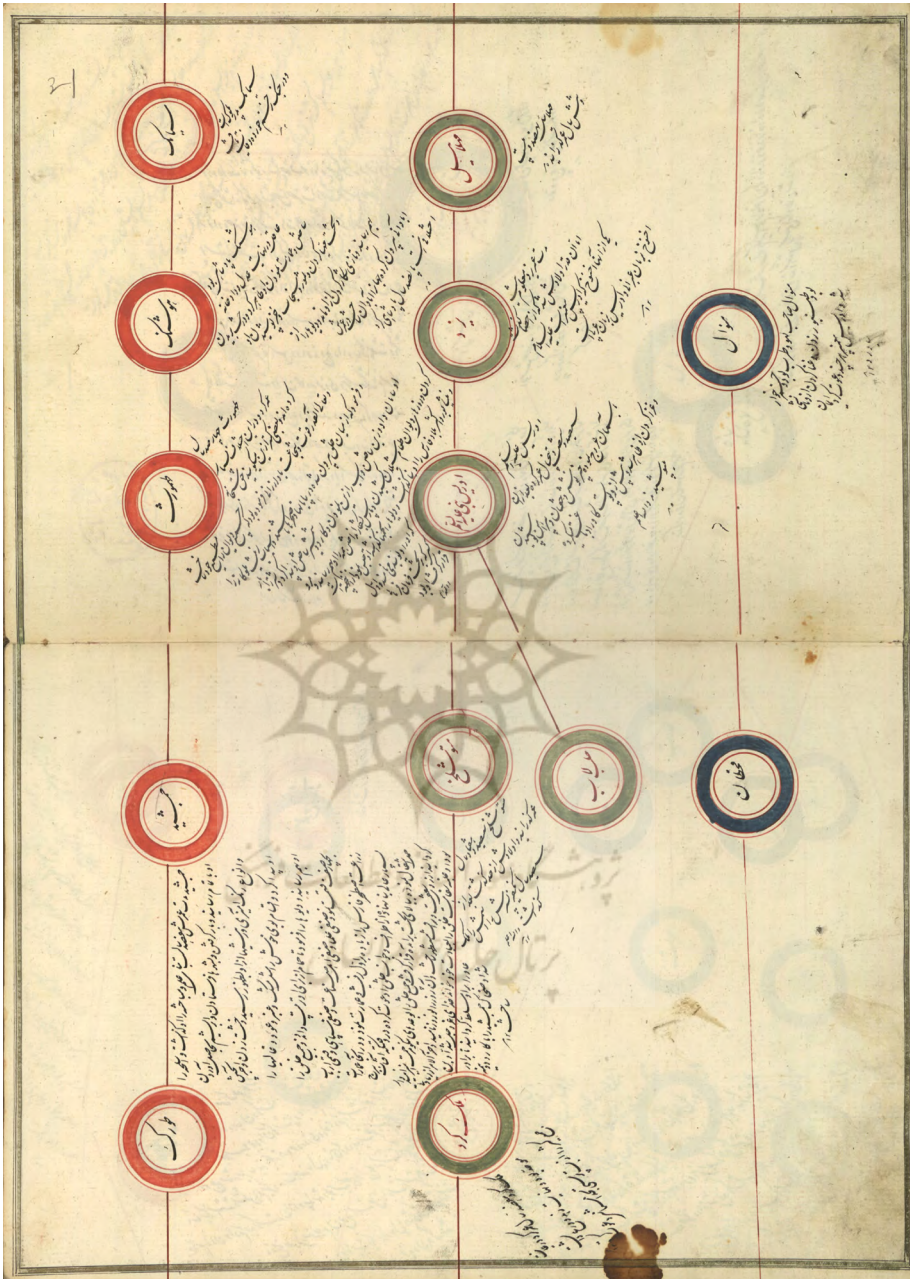
(نوح آن را بنا بر احتیاط در صندوق کشتی گذاشت که مبادا بازهم طوفان بشود.)

بنابر آن که در اخبار صحیحه وارد شده که حضرت آدم صفی الله و نوح نجی الله و علی ولی الله - صلوات الله و سلامه علیهم - در یک جا آسوده‌اند و الله اعلم و در هنگام ارتحال حضرت آدم علیه السلام به سوی سرای جاودانی اولادش به چهل هزار رسیده بودند. الله اعلم بالصواب.

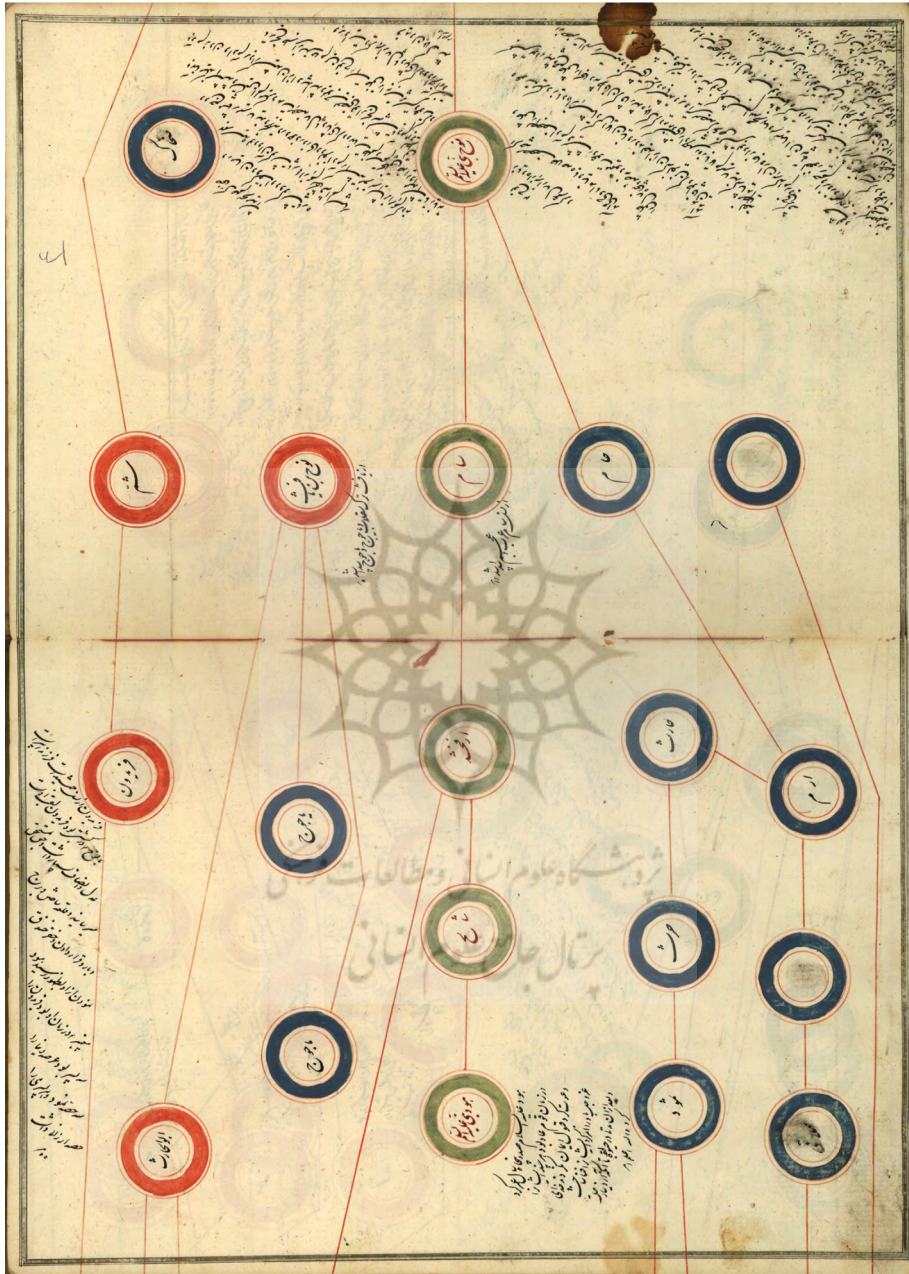


پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

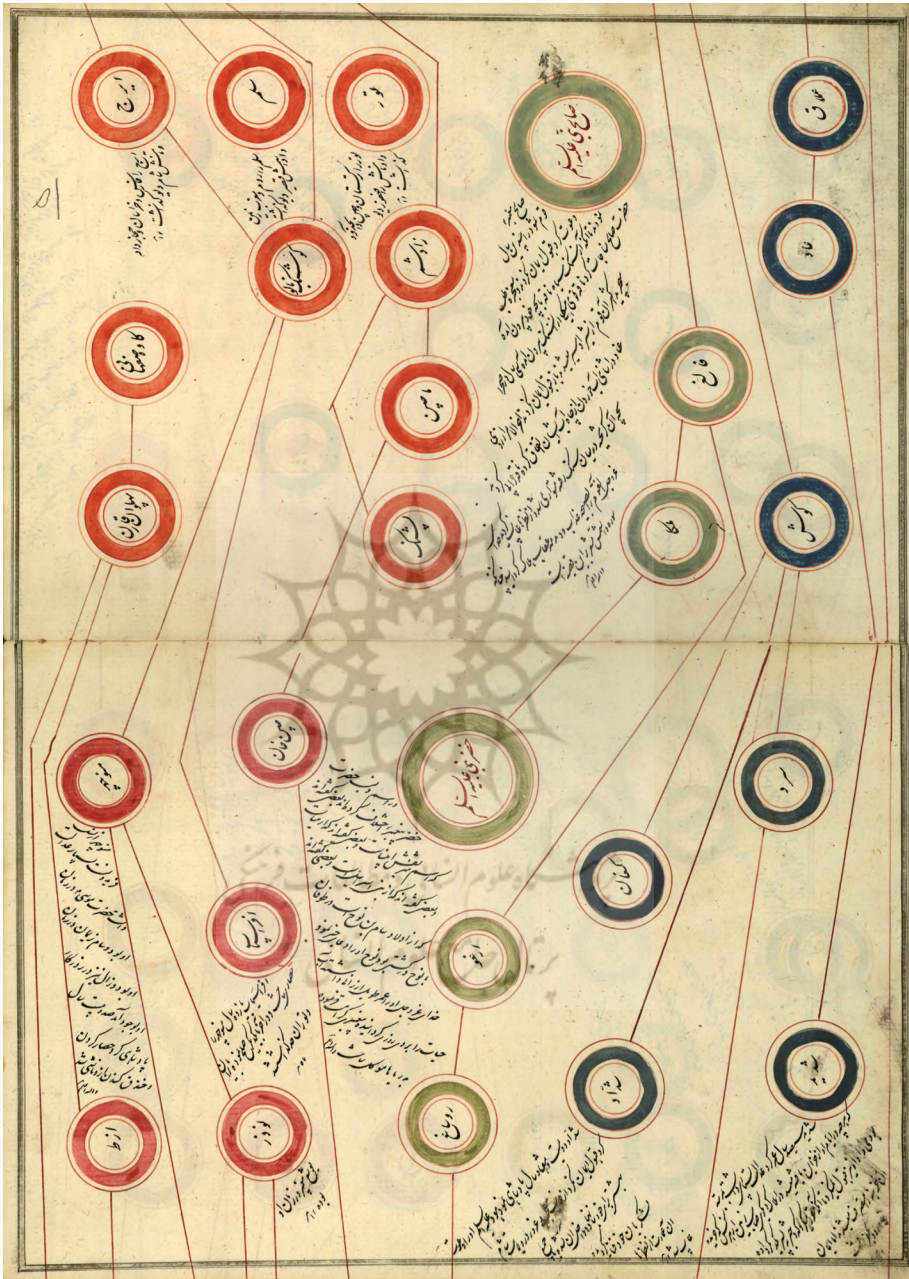


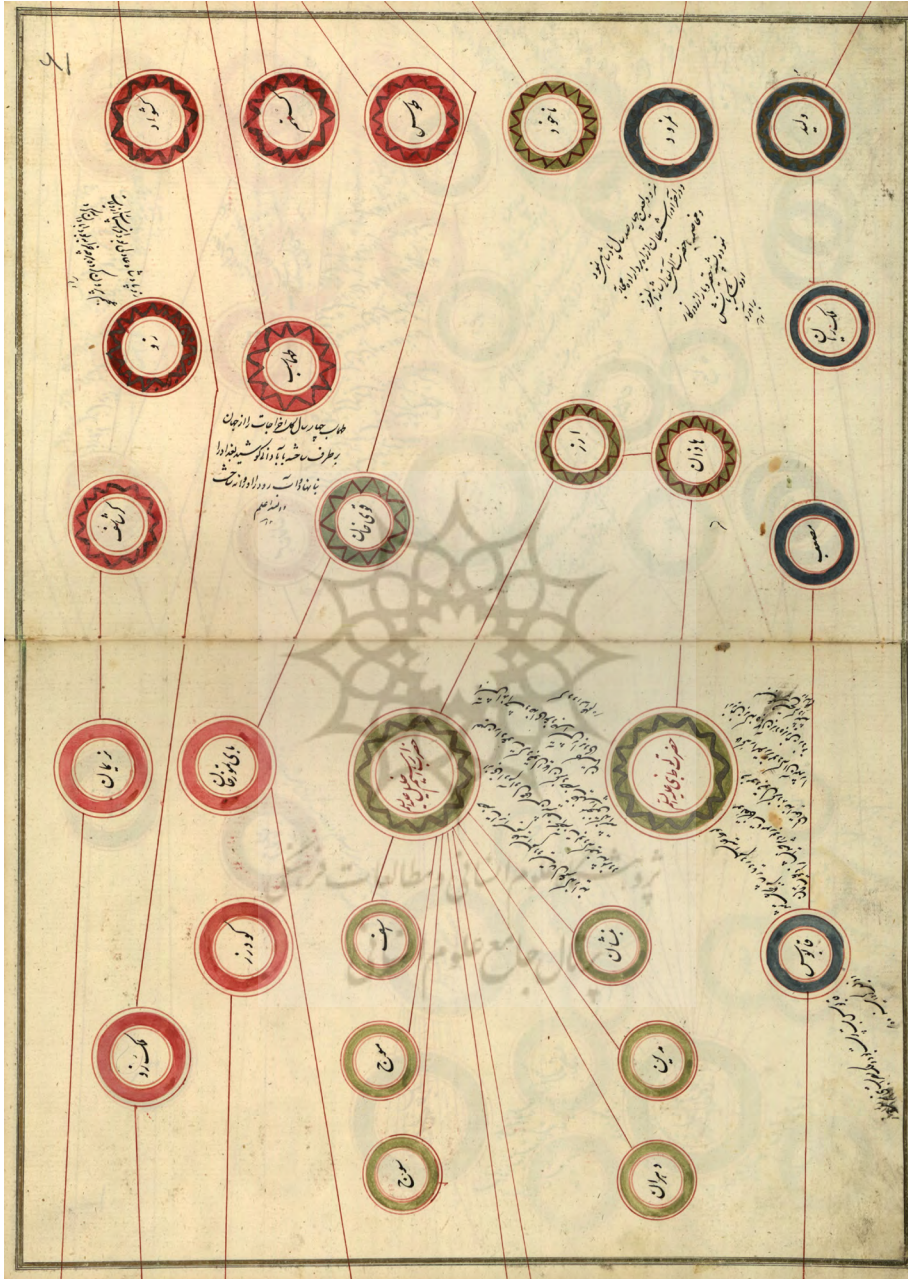


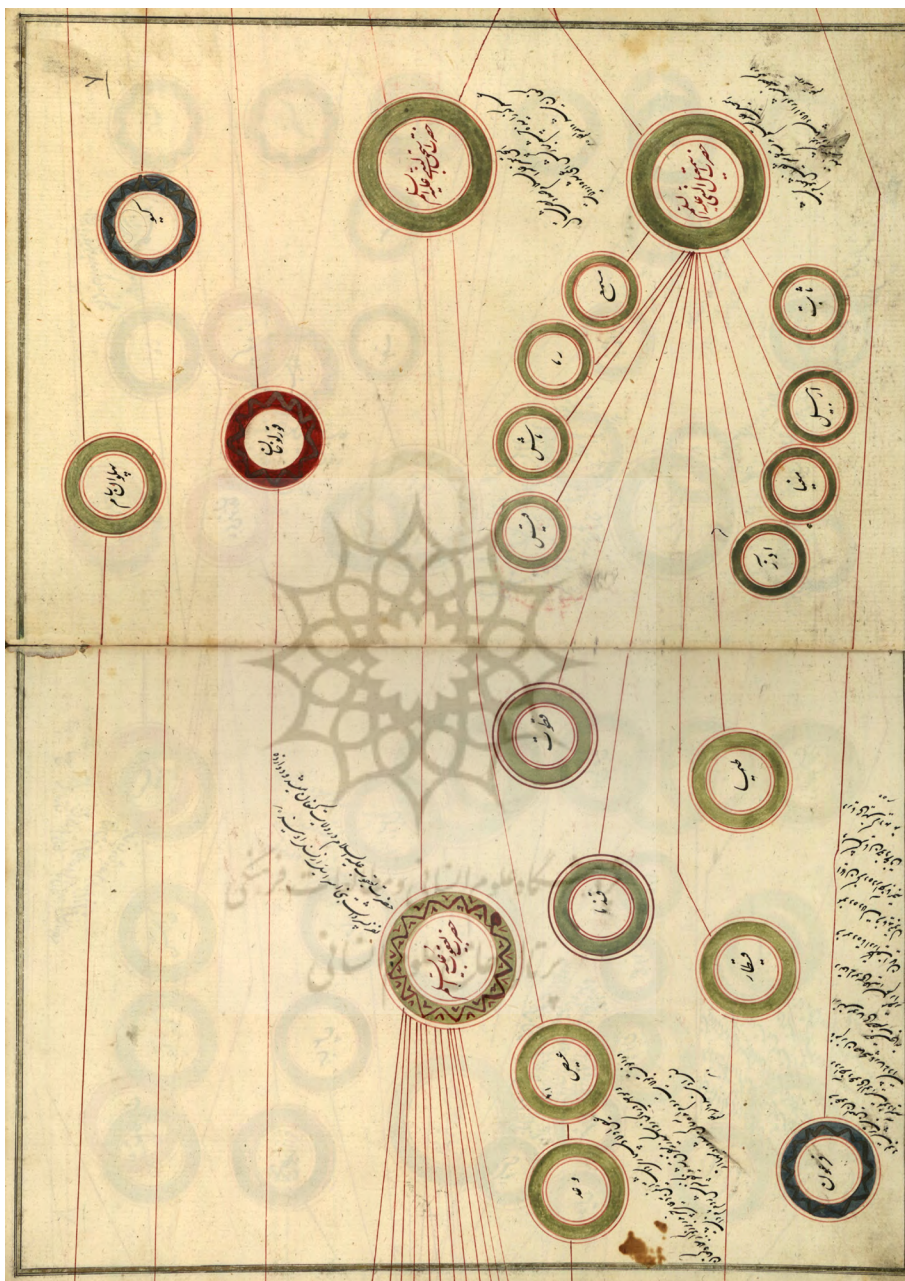
پیام بهارستان / ۲۵، س ۲، ش ۵ / پائیز ۱۳۸۸

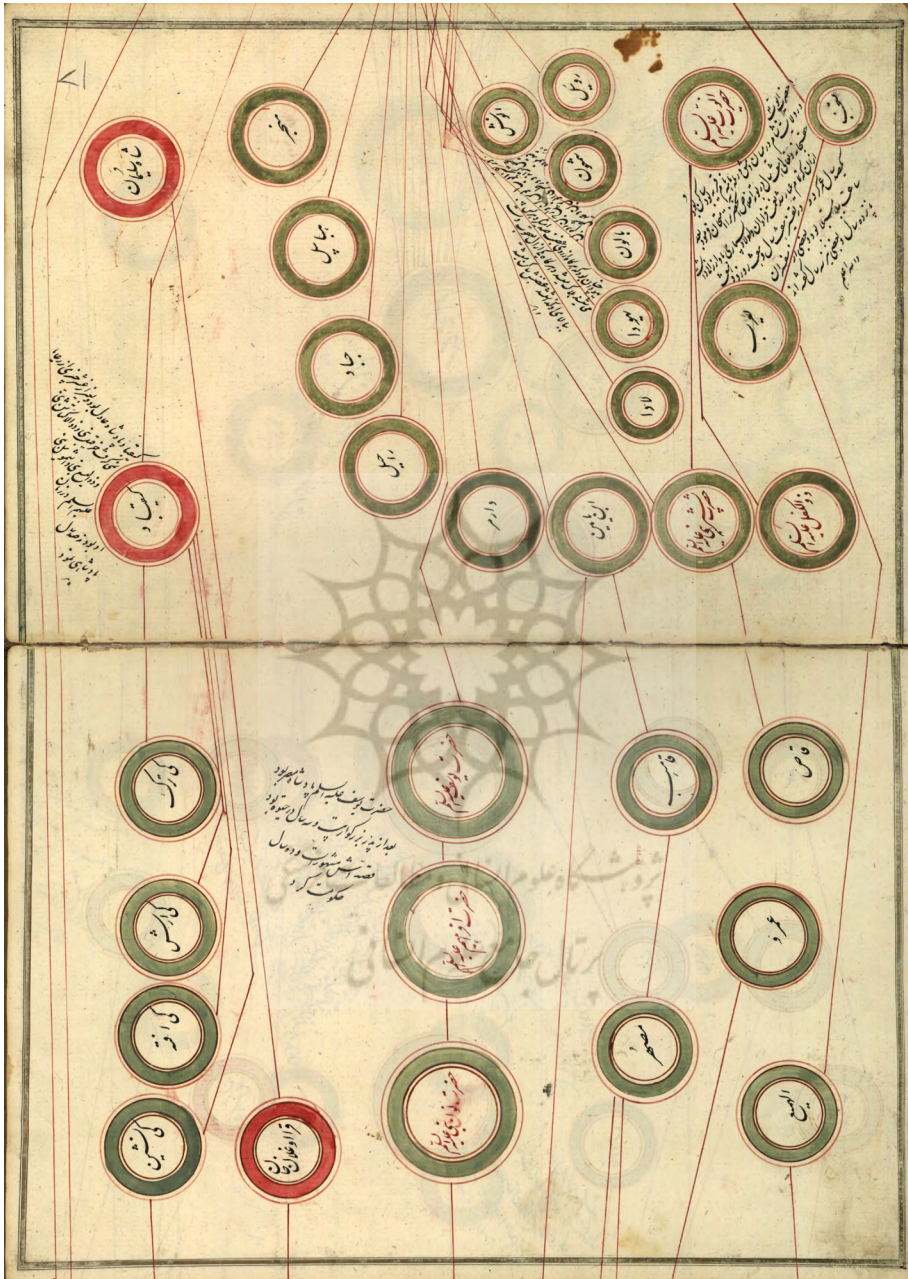


پیام بهارستان / ۲۰، س ۲، ش ۵ / پائیز ۱۳۸۸

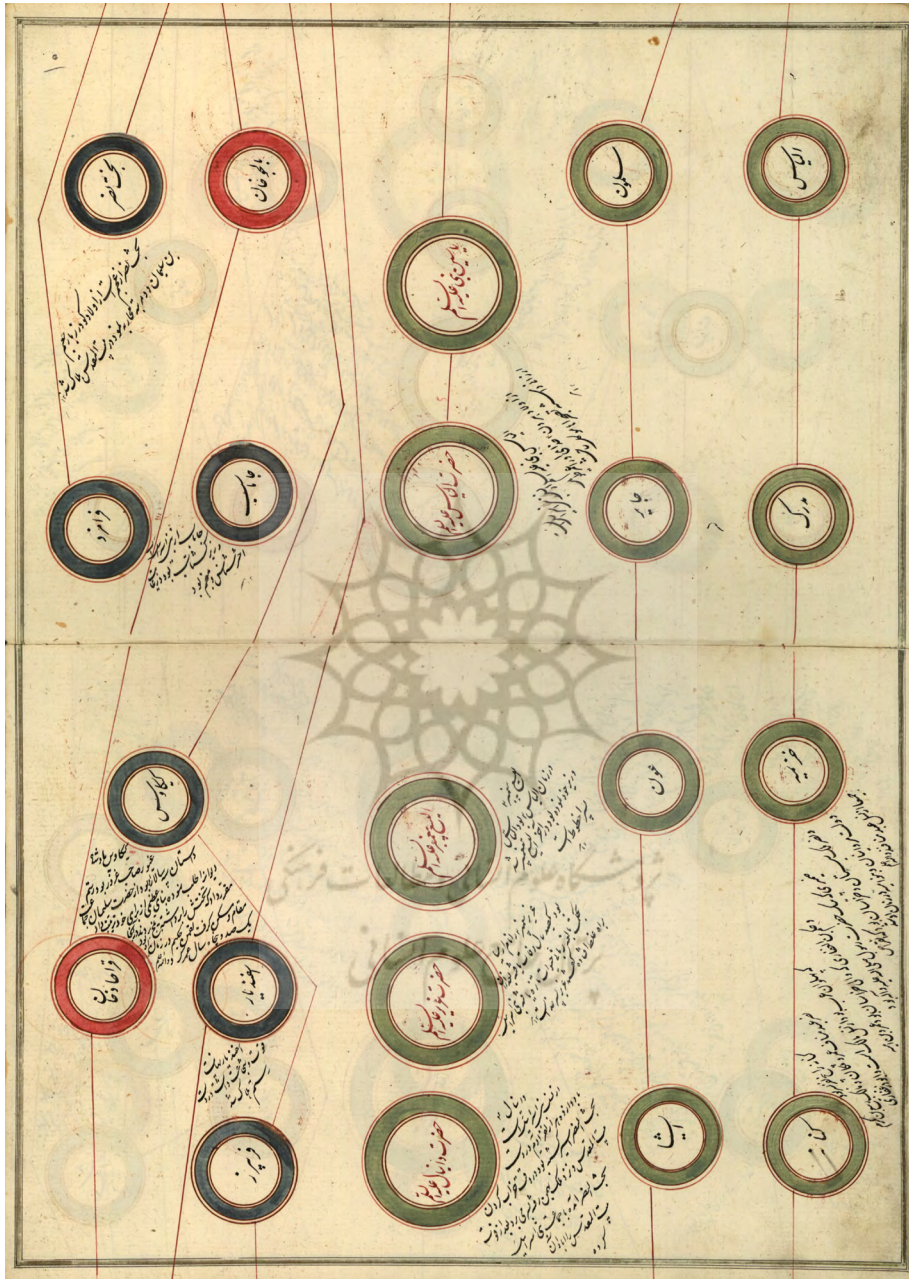




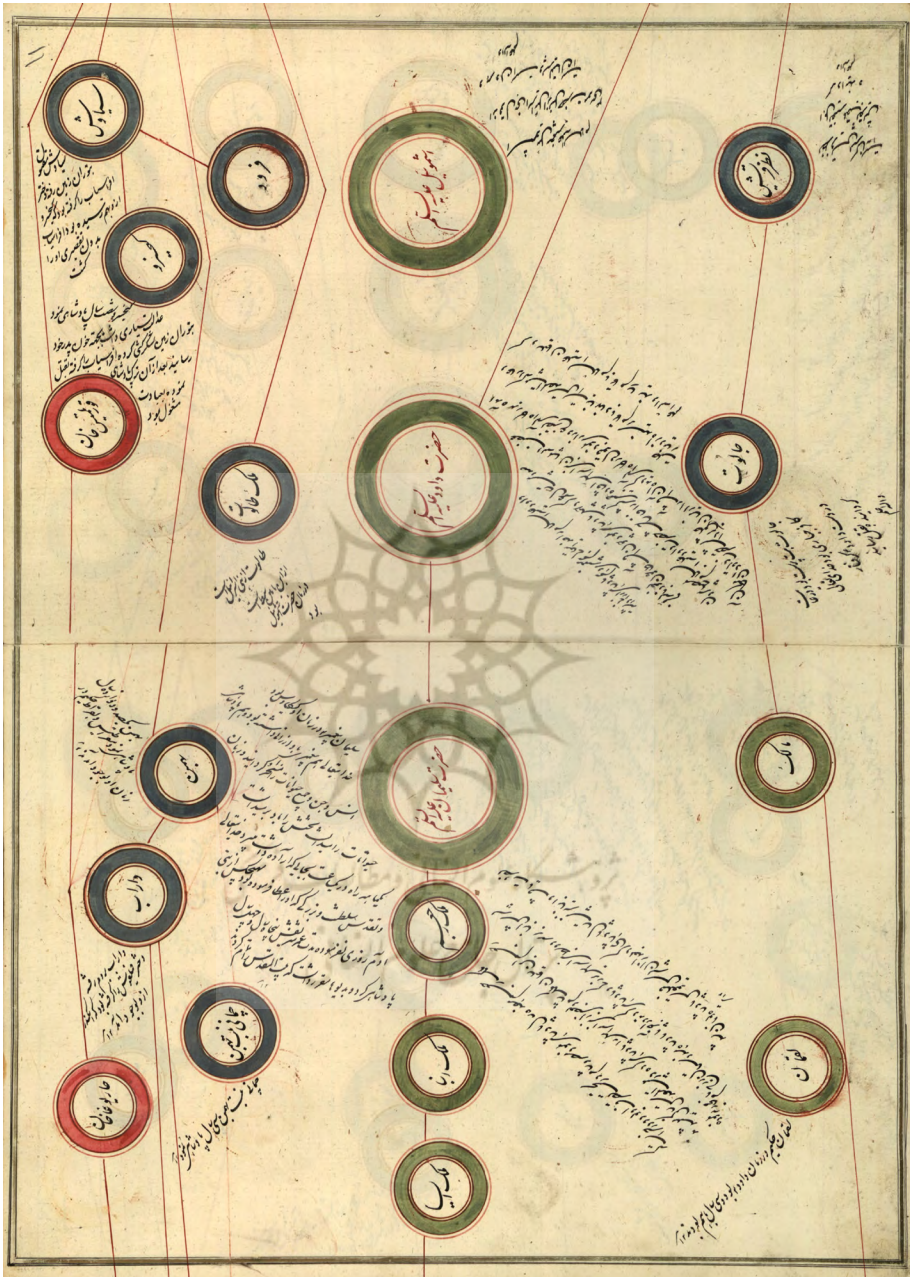


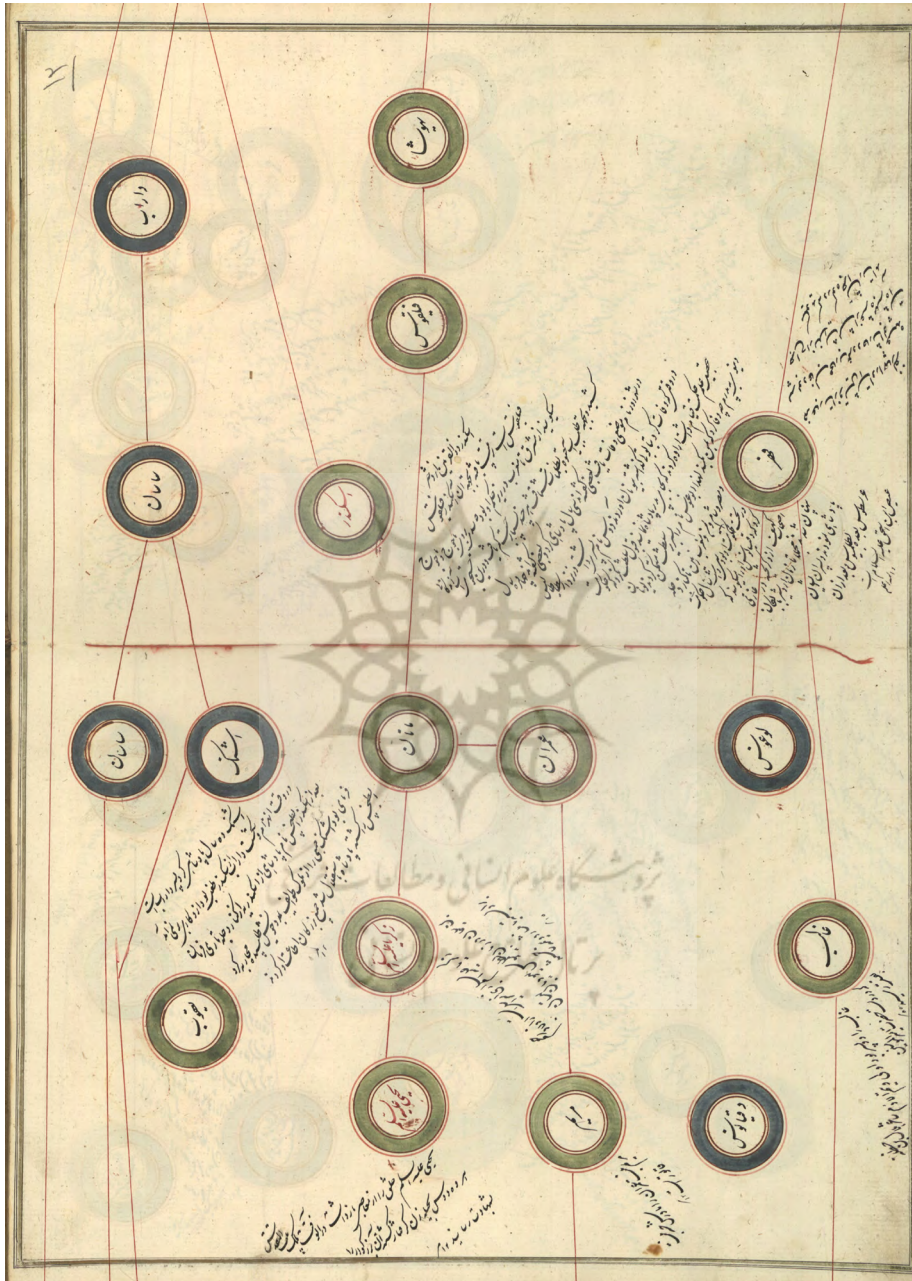


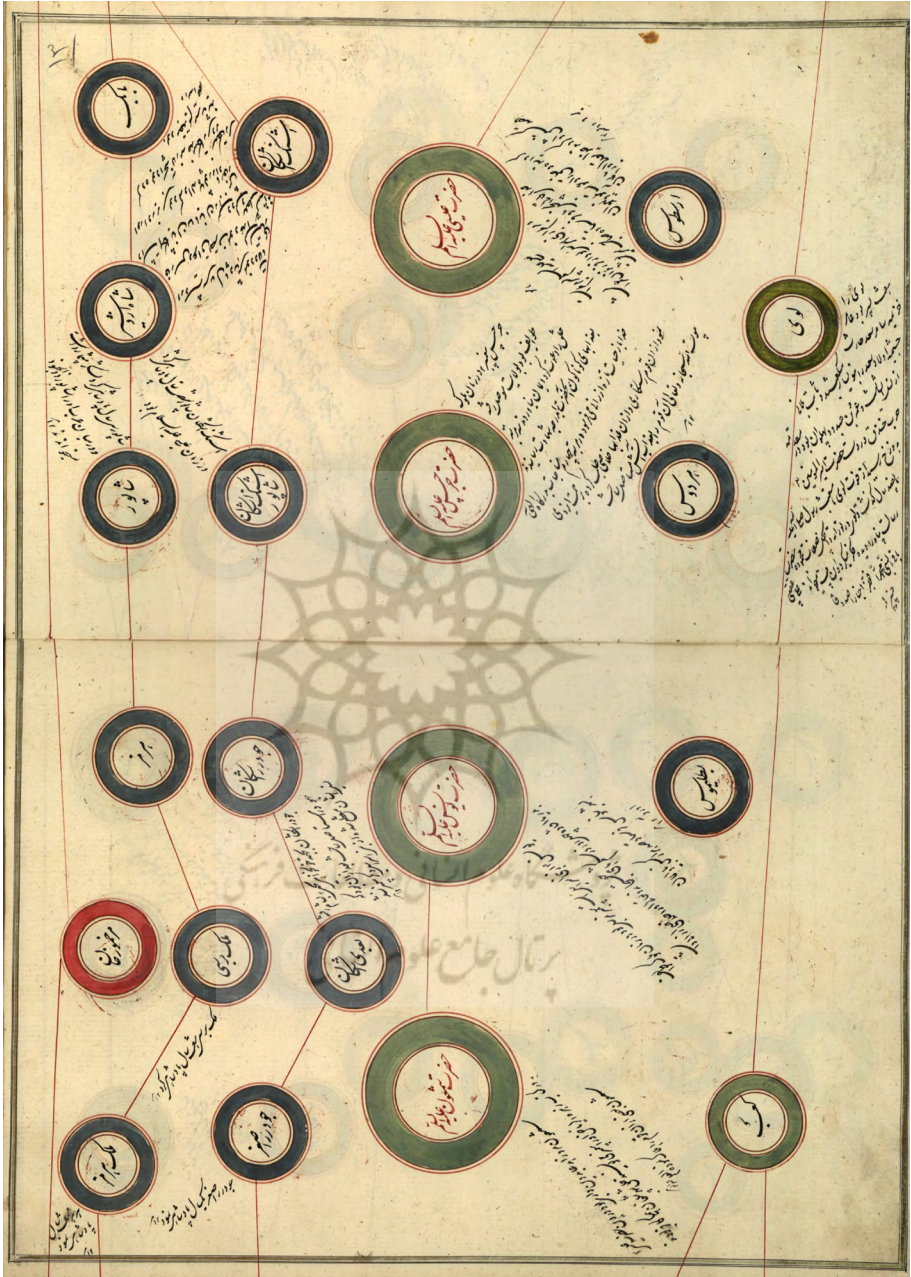
پیغام بهارستان / ۲۰۲۵، ش ۵ / پائیز ۱۳۸۸



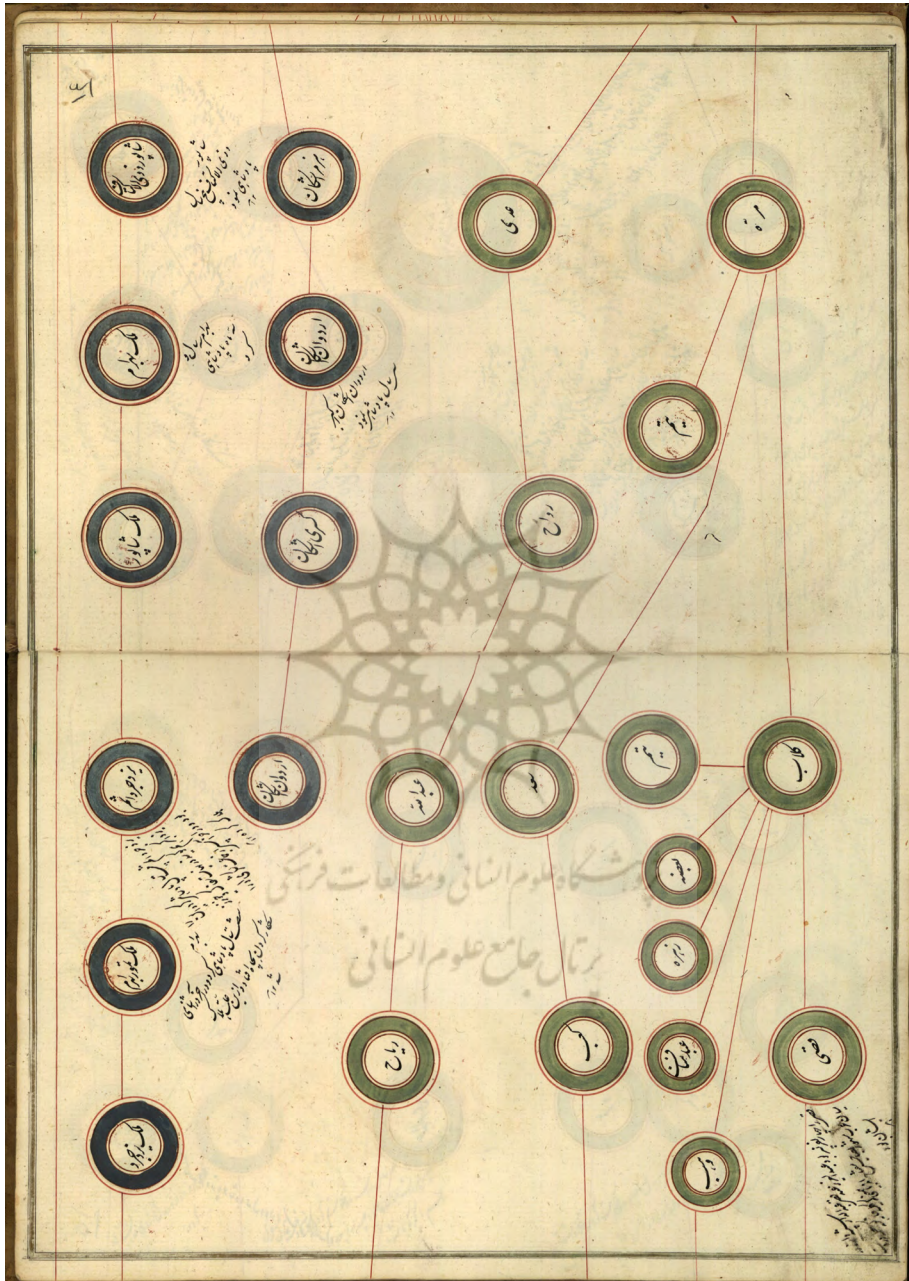
پیام بهارستان / ۲۵، س ۲، ش ۵ / پائیز ۱۳۸۸

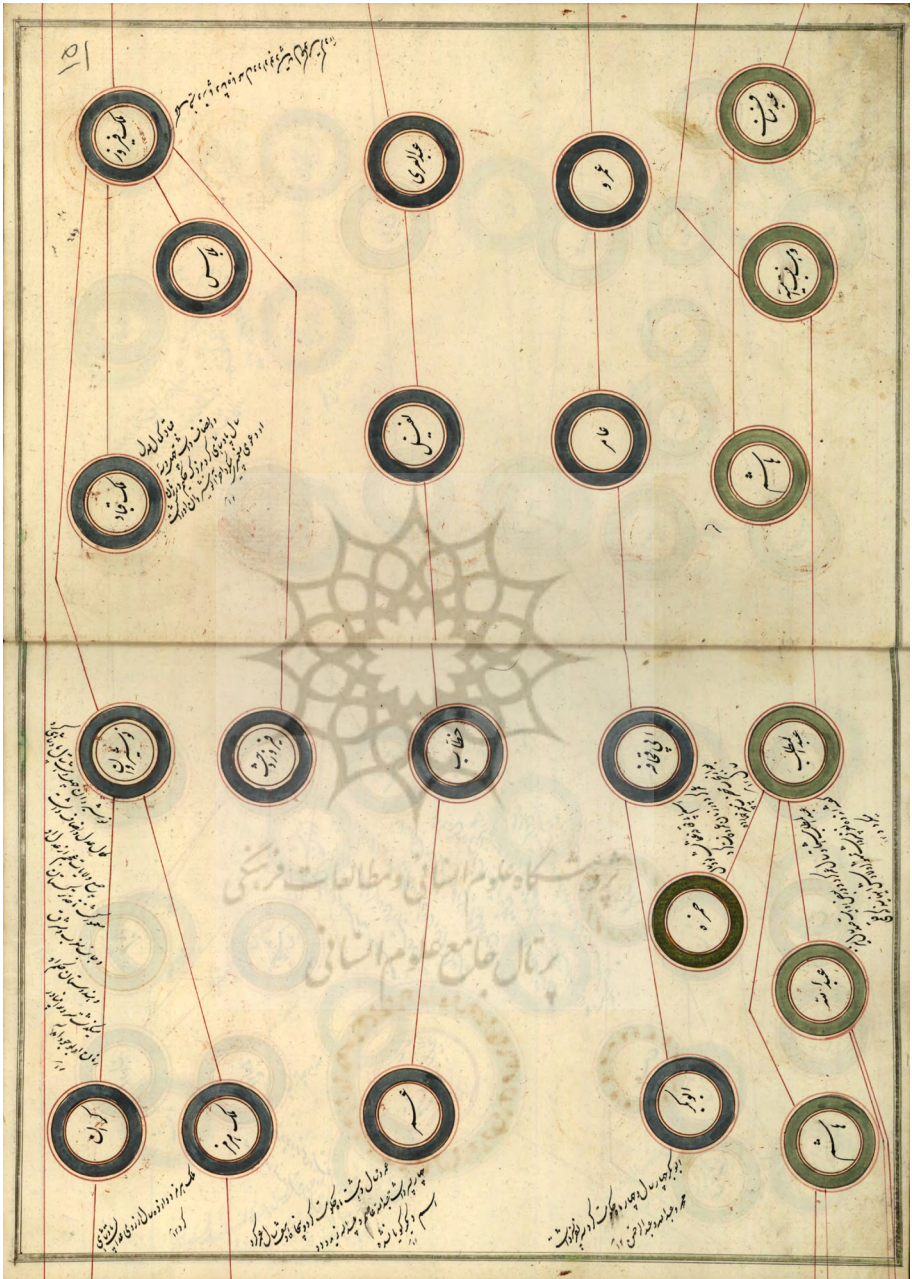




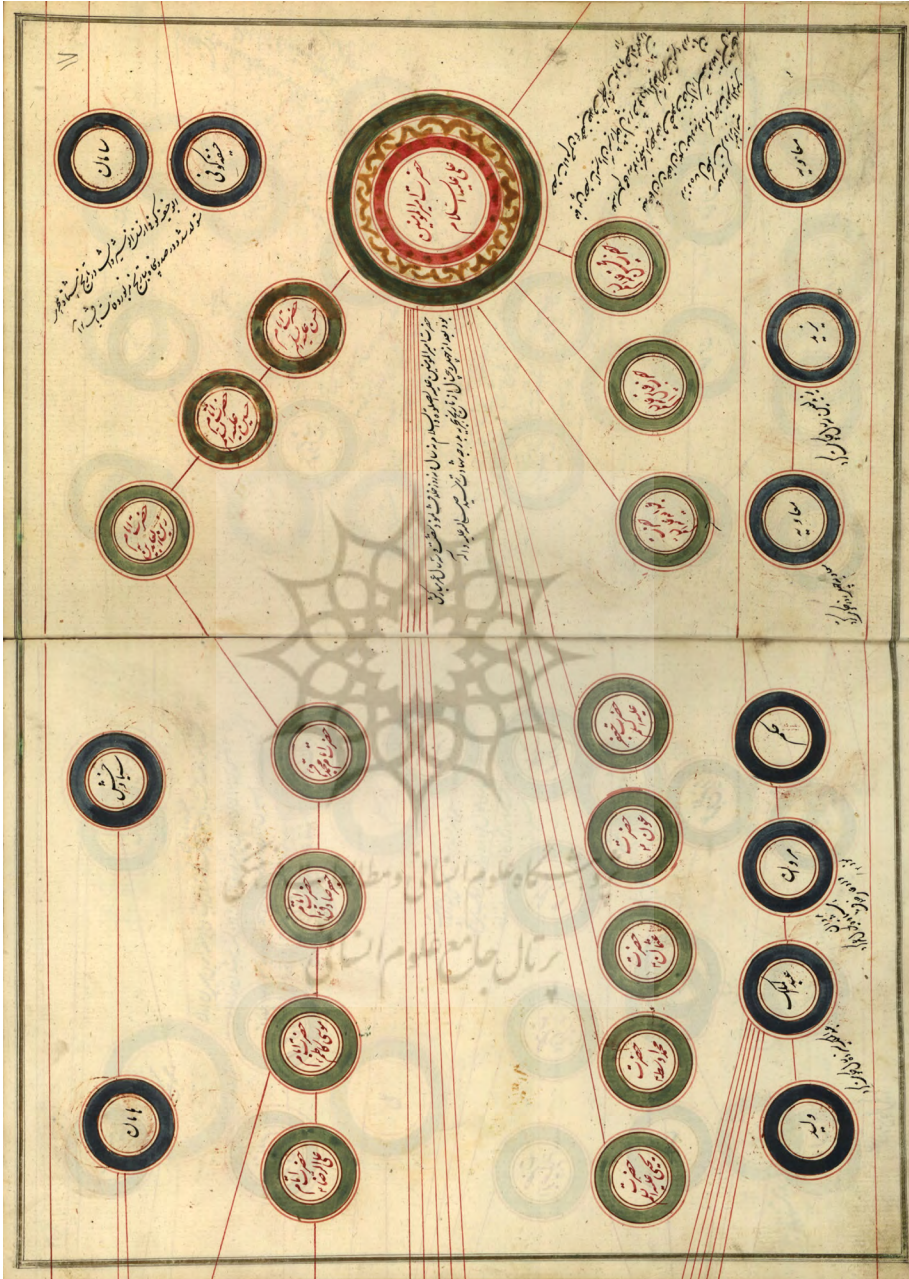


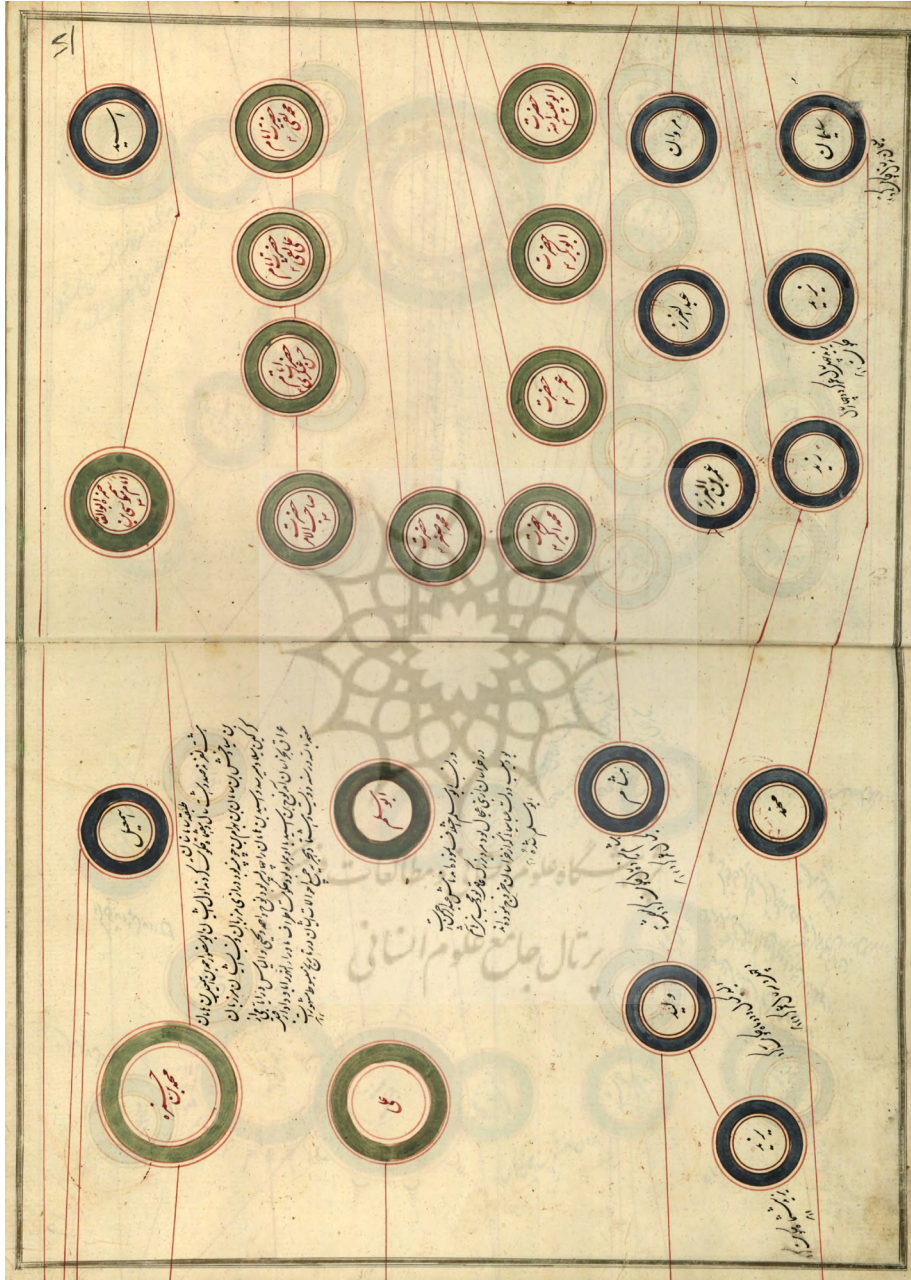
پیام بهارستان / ۲۰۷، س ۲، ش ۵ / پائیز ۱۳۸۸



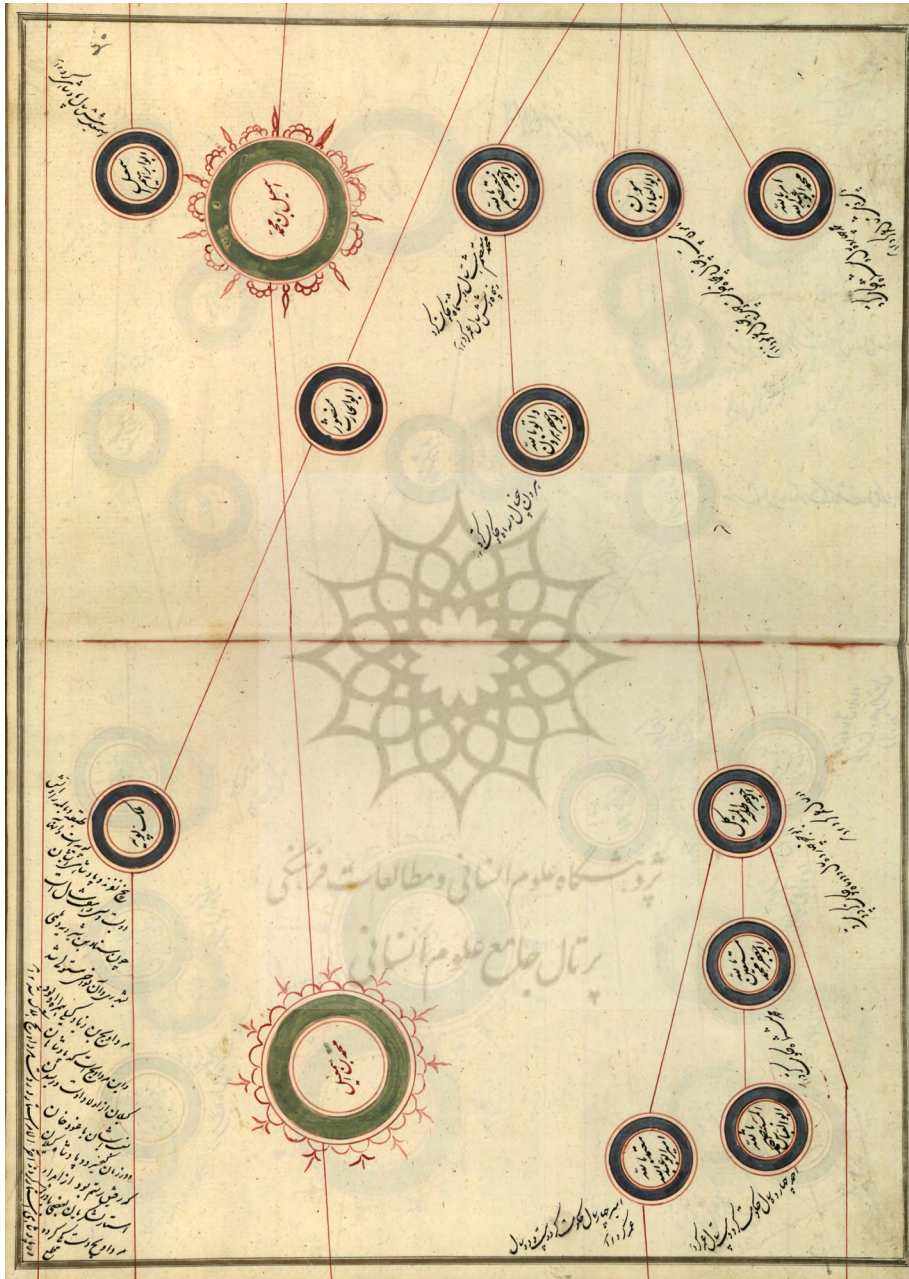


پیام بهارستان / ۲۰ د، س ۲۰، ش ۵ / پائیز ۱۳۸۸

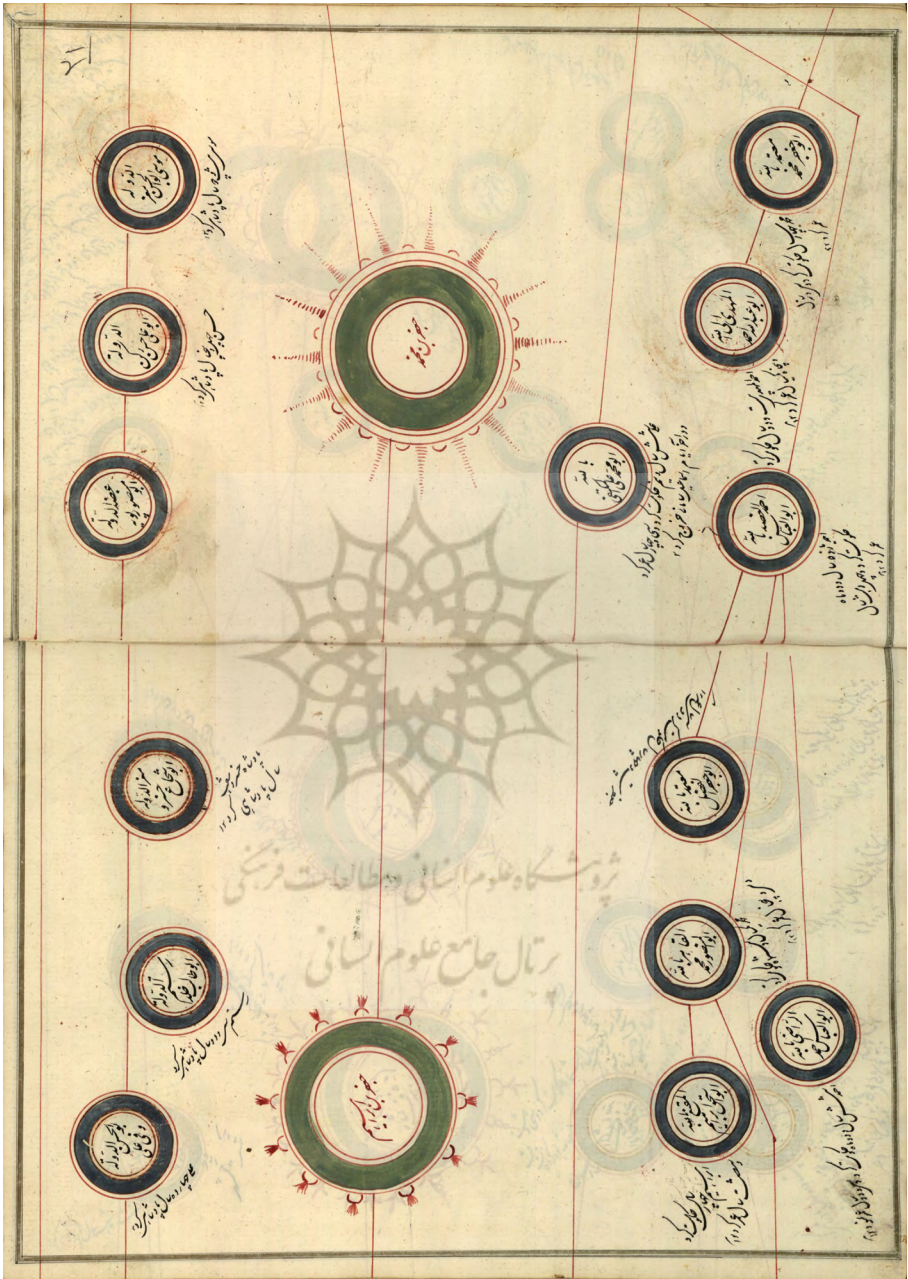


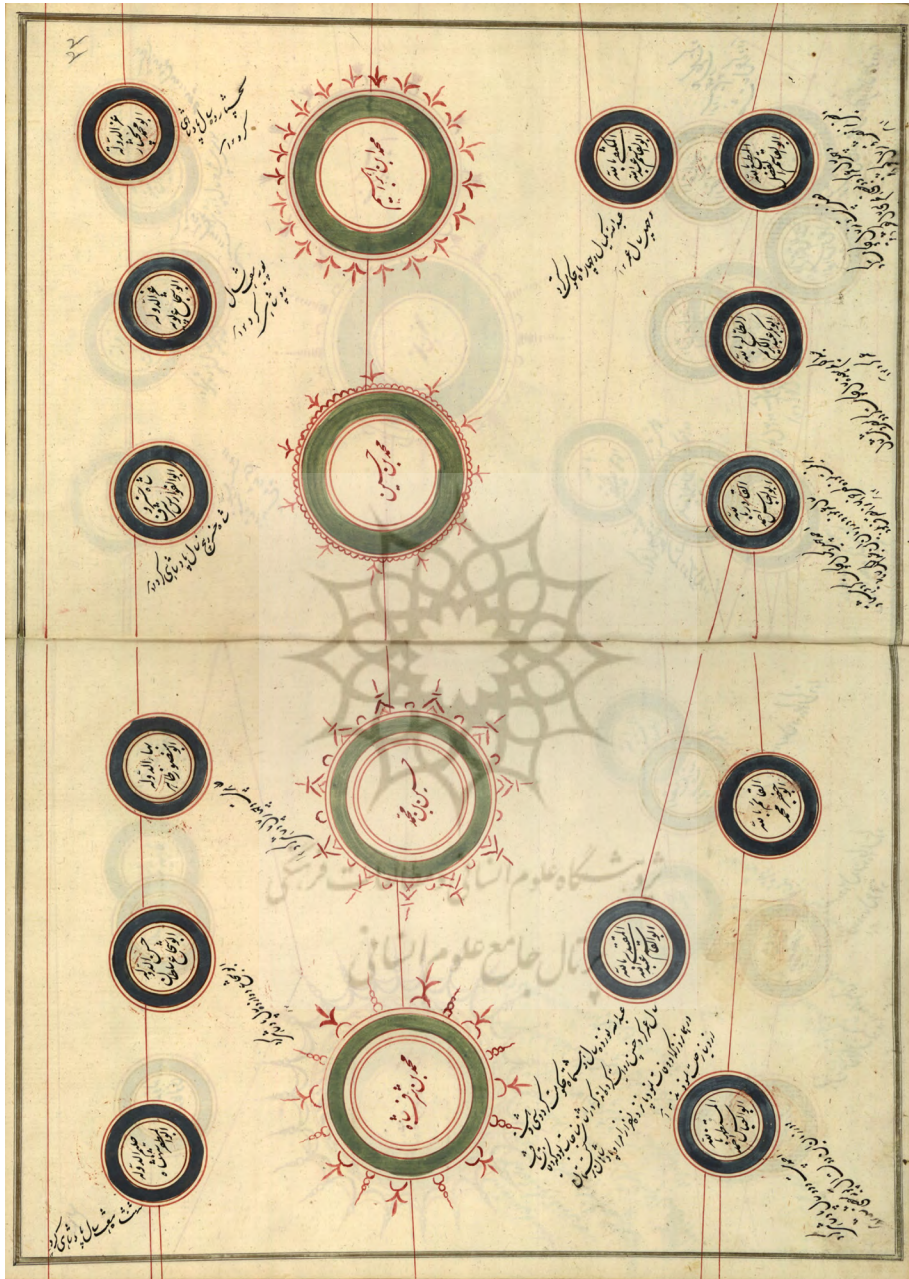


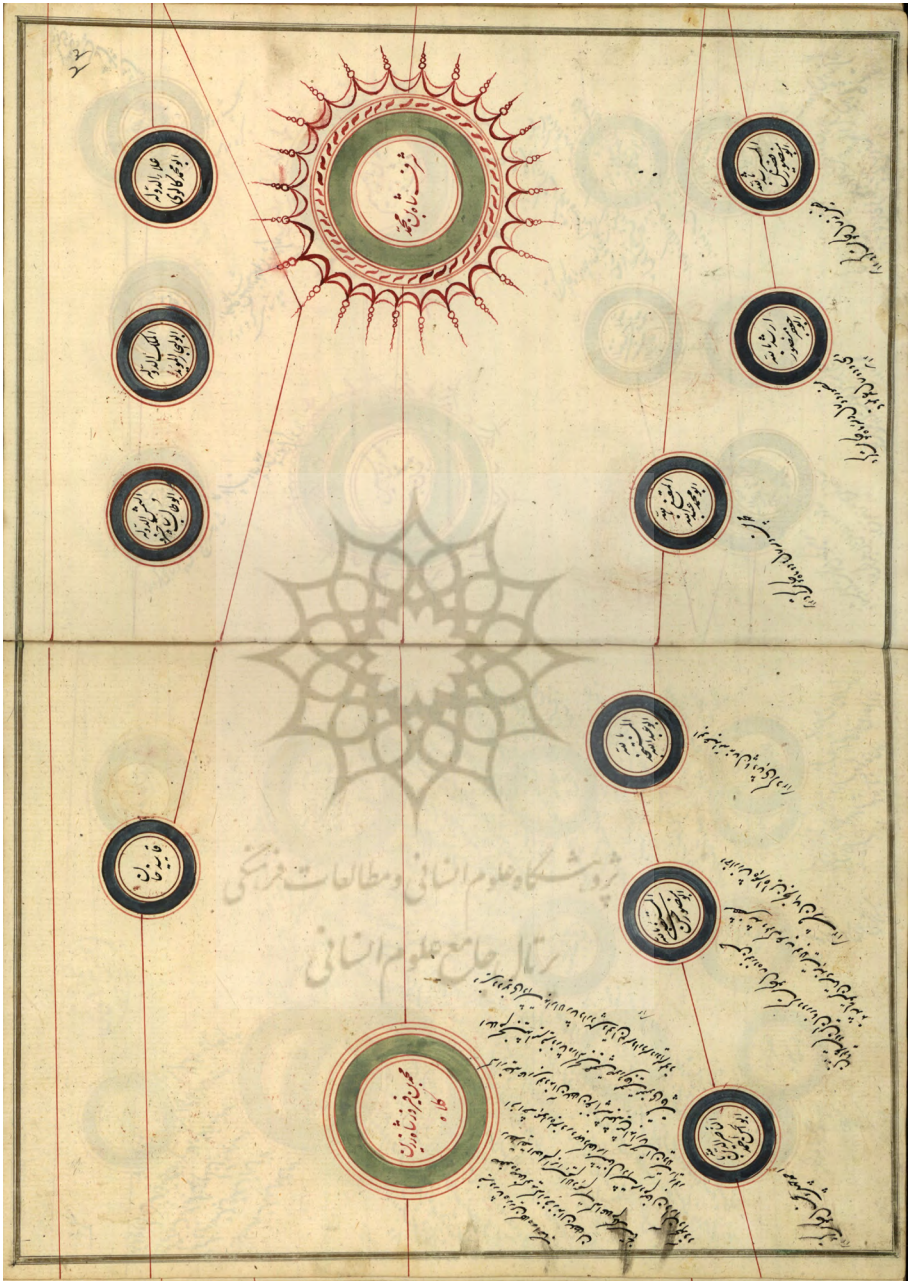
پیام بهارستان / ۲۰، ۲۱، ۲۲، ۲۳، ۲۴ / ۵ / پائیز ۱۳۸۸

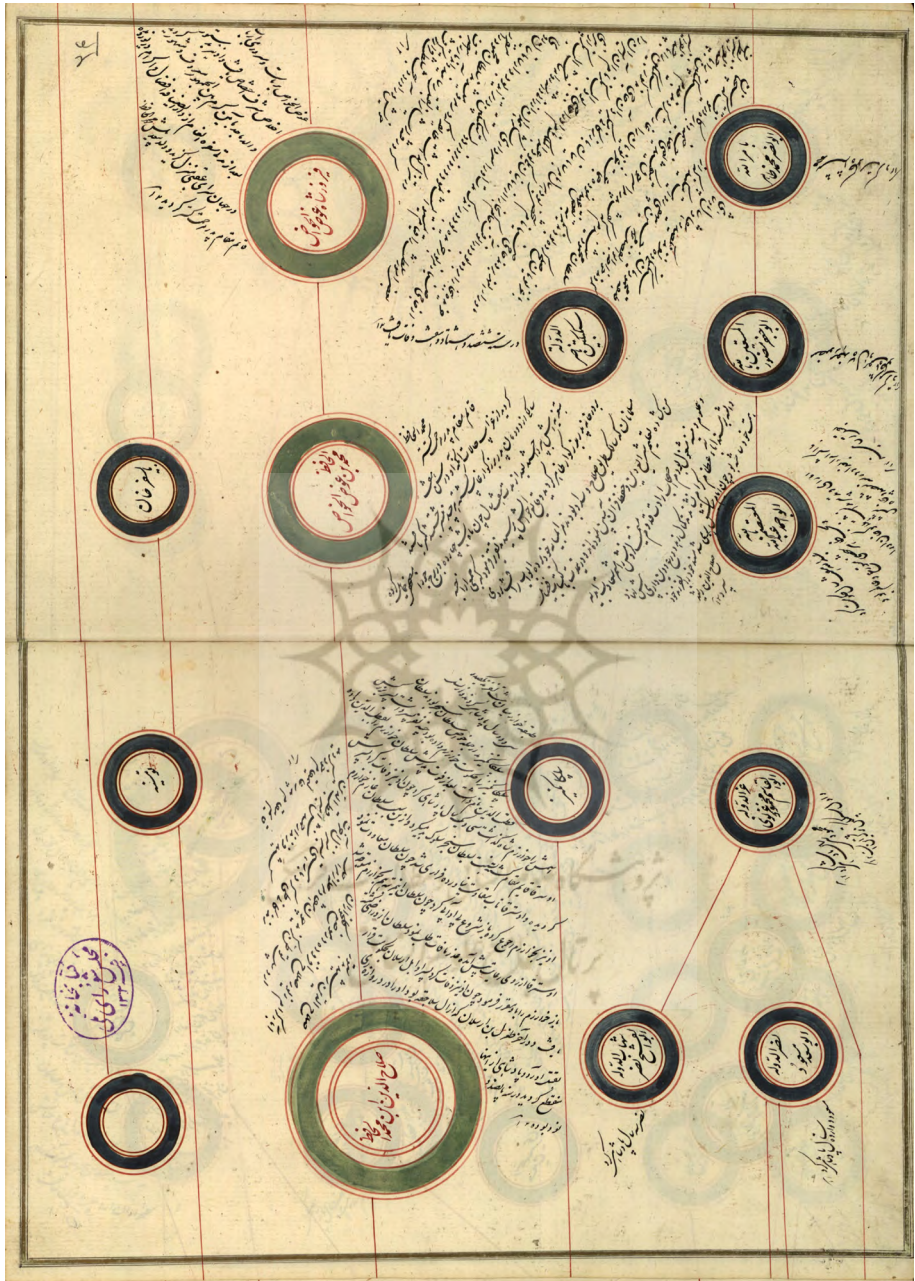


پيام بهارستان / ۲۵، ۲۴، ۲۳، ۲۲، ۲۱، ۲۰، ۱۹، ۱۸، ۱۷، ۱۶، ۱۵، ۱۴، ۱۳، ۱۲، ۱۱، ۱۰، ۹، ۸، ۷، ۶، ۵، ۴، ۳، ۲، ۱



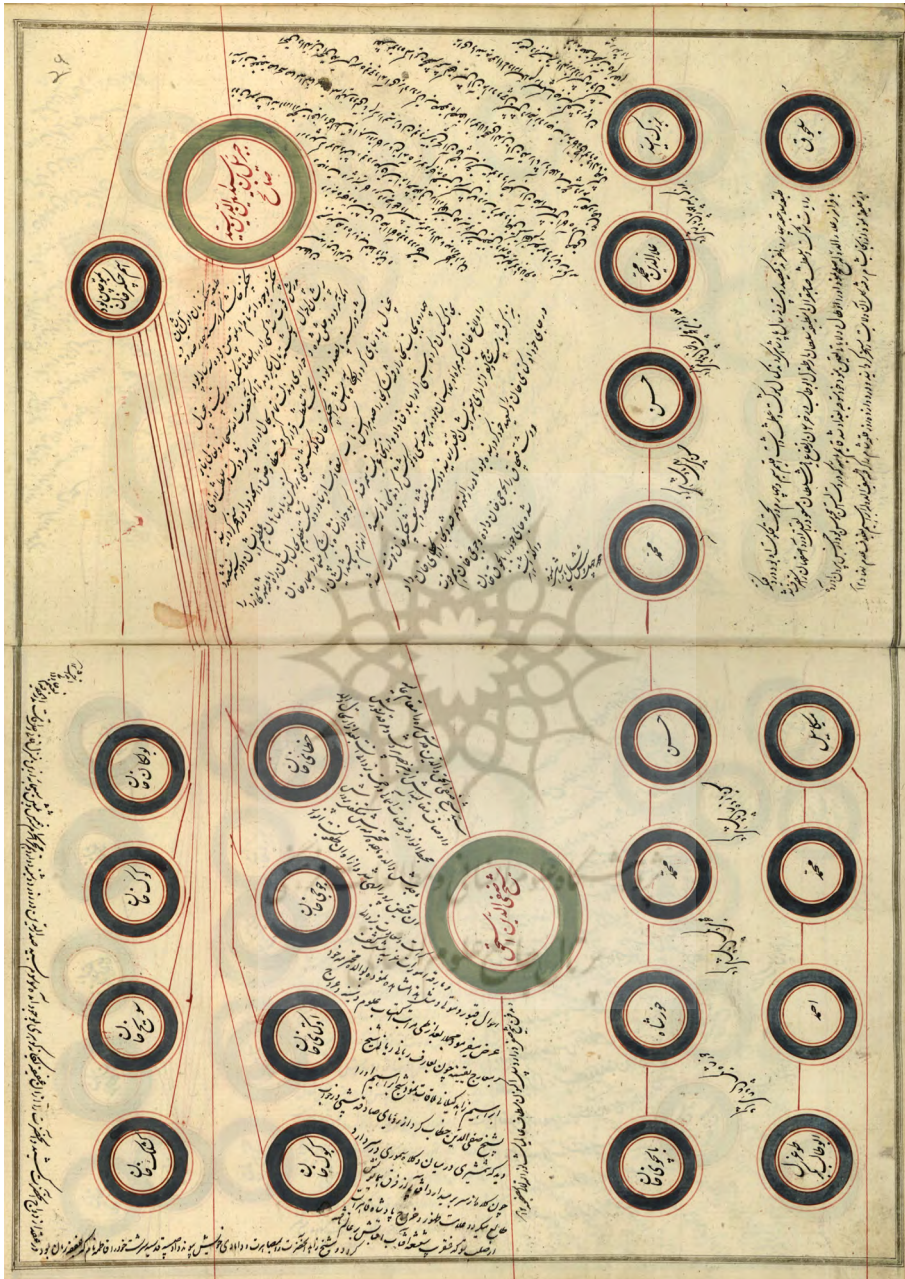


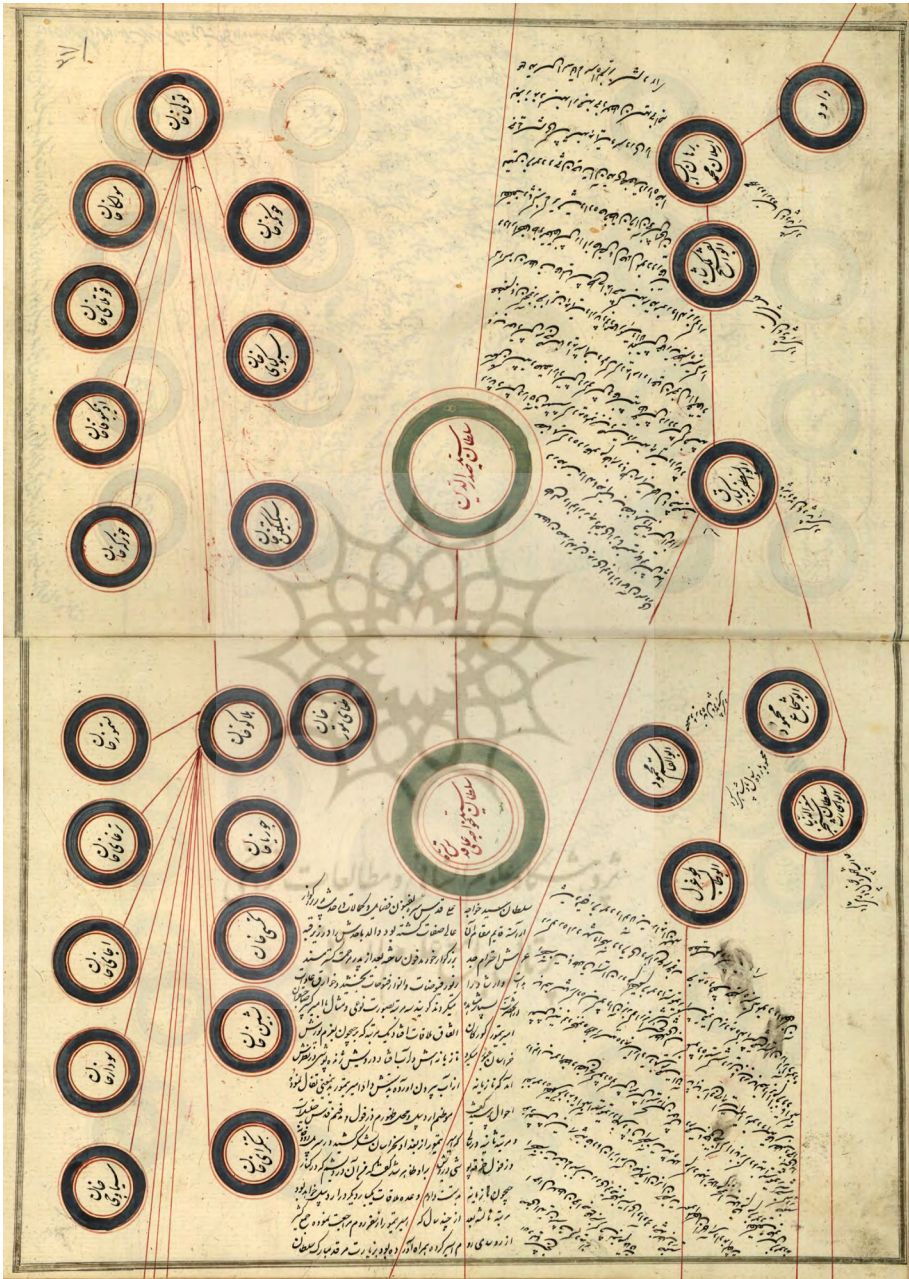




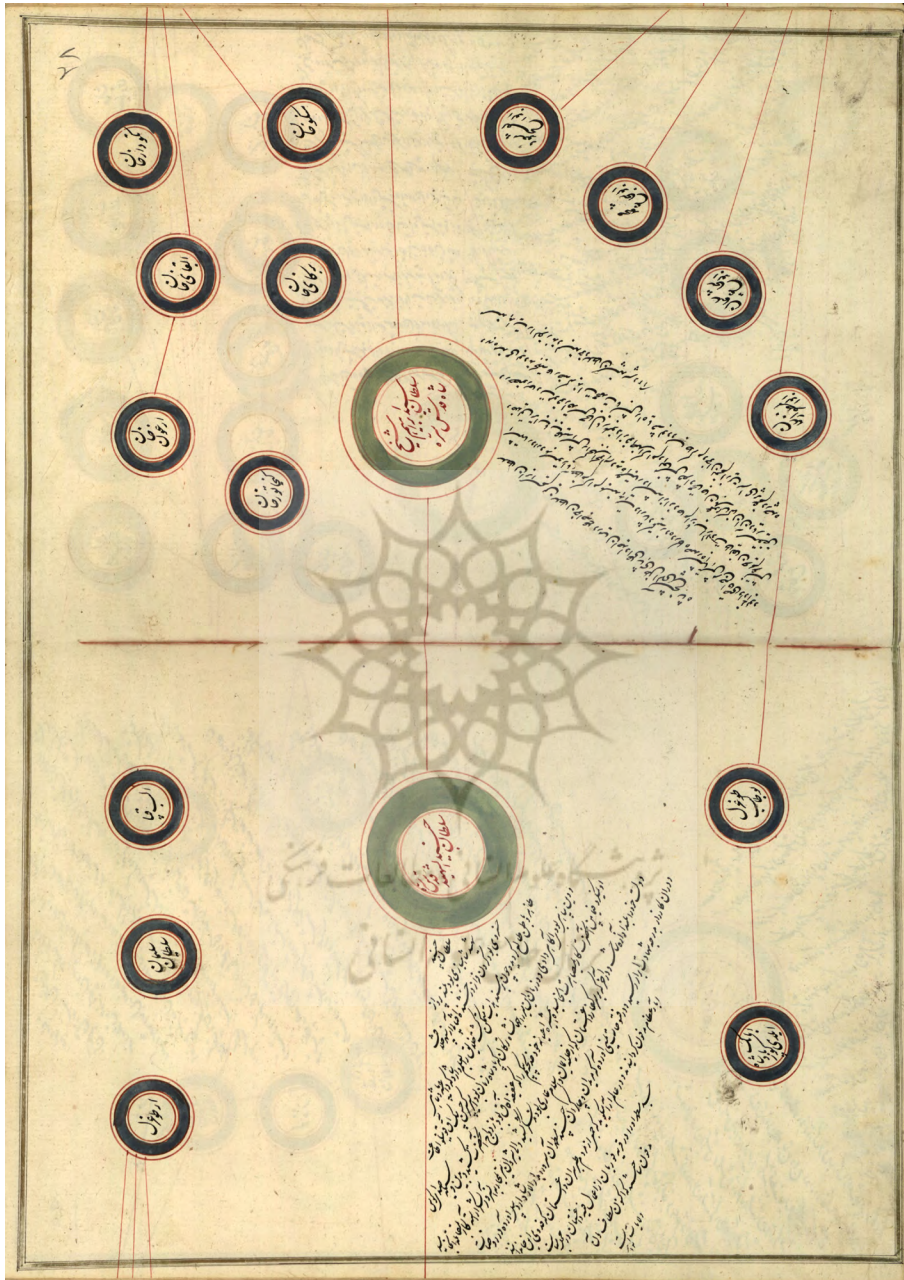
پیغام بهارستان / ۲۵، س ۲، ش ۵ / پائیز ۱۳۸۸

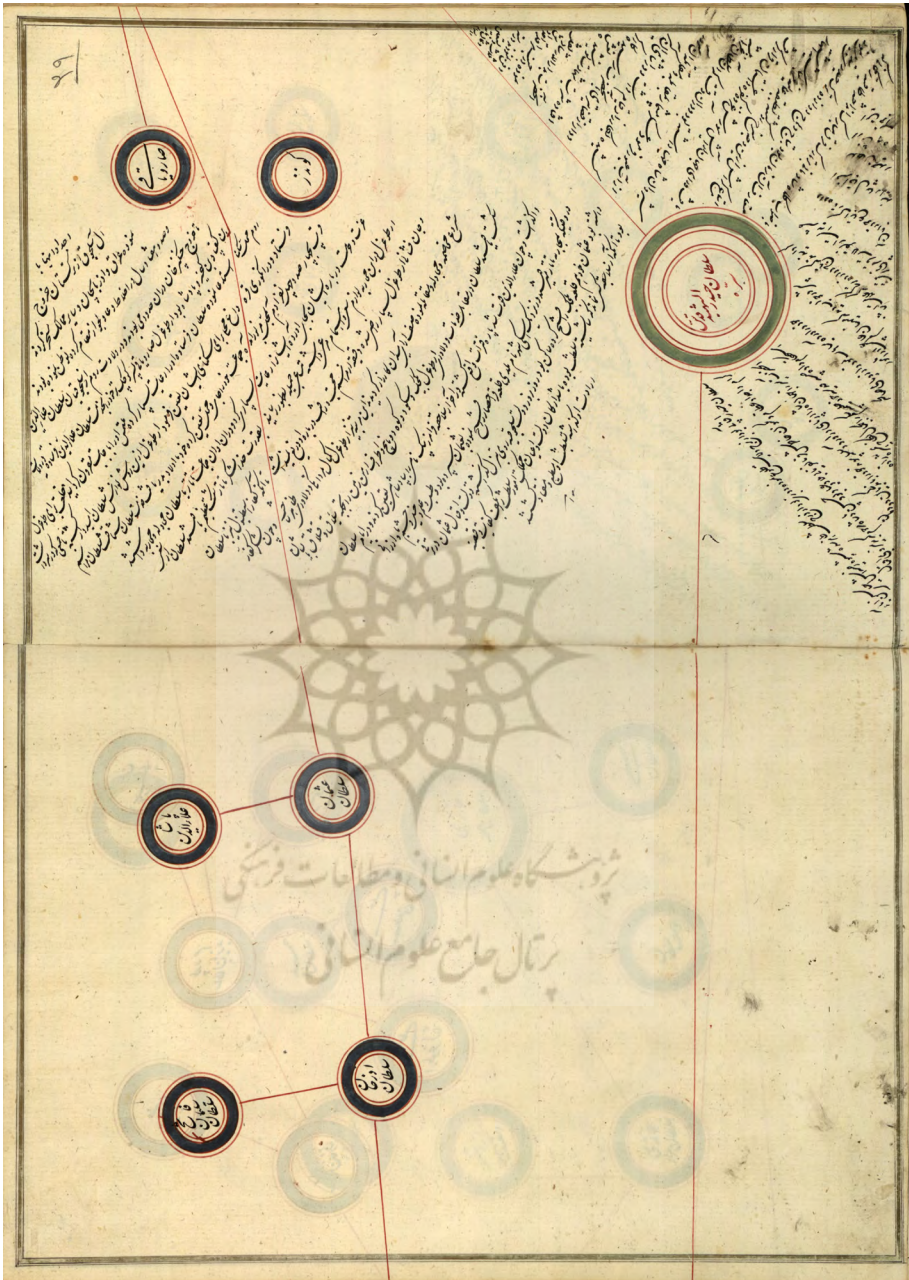


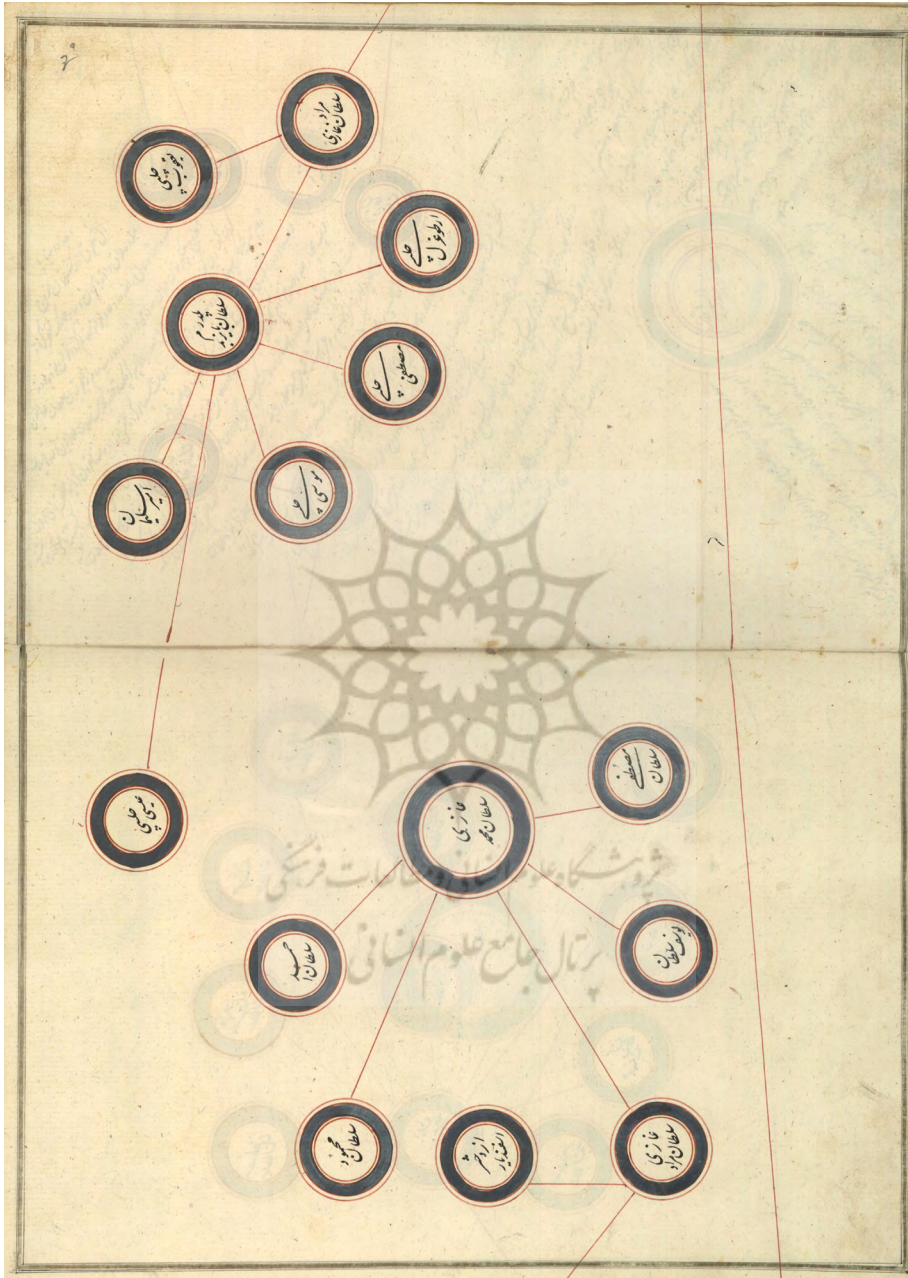


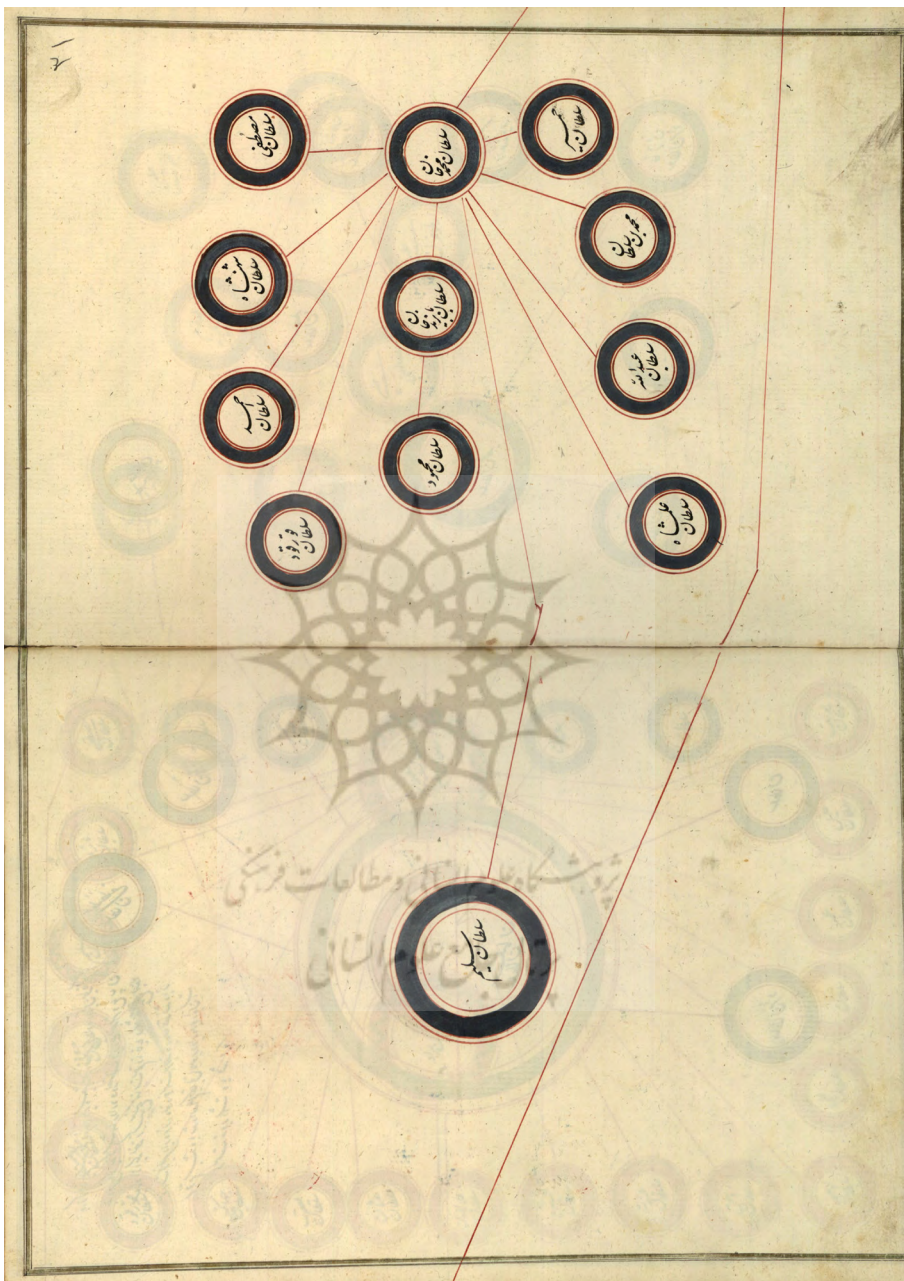


پیام بهارستان / ۲۰۲۰، ش ۵ / پائیز ۱۳۸۸

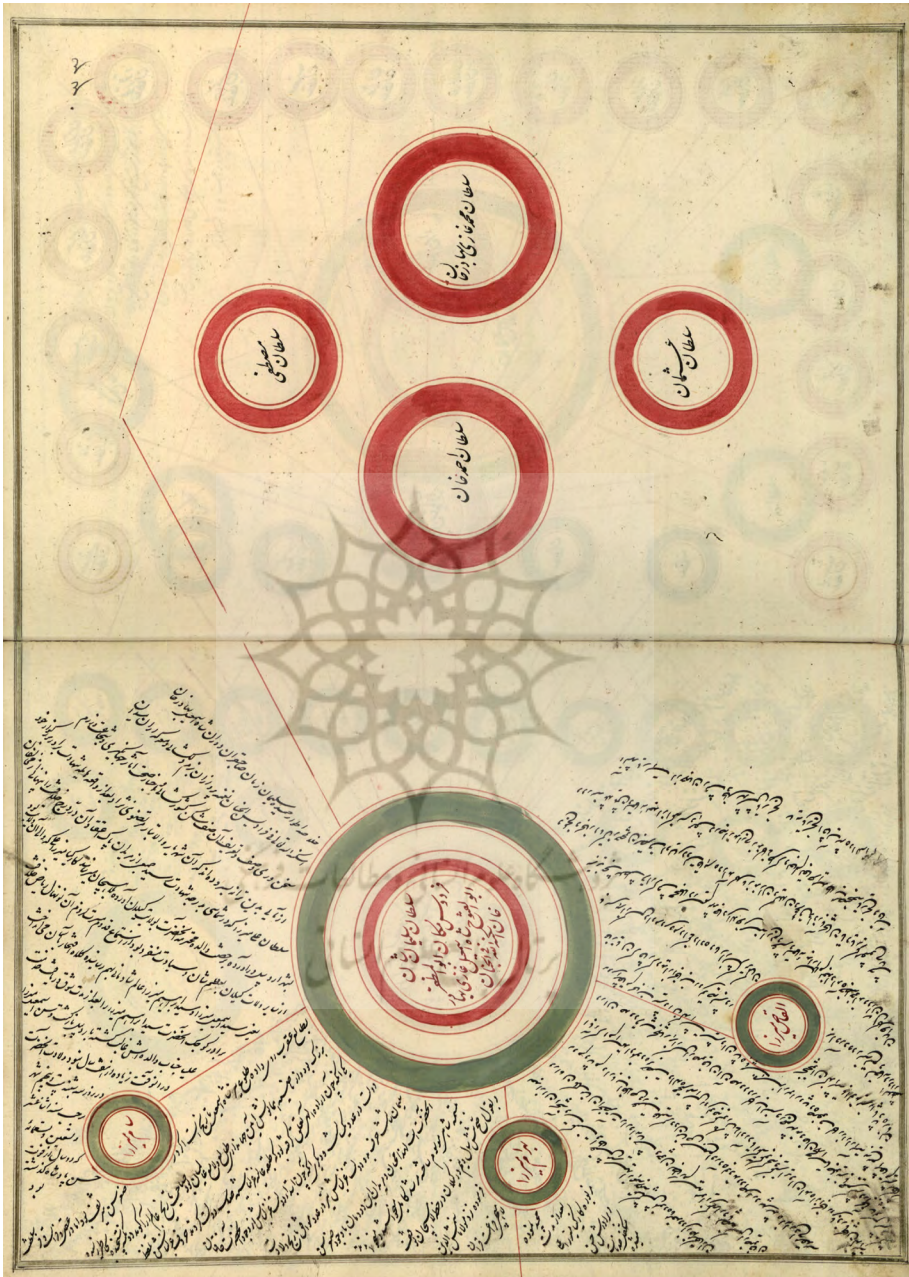




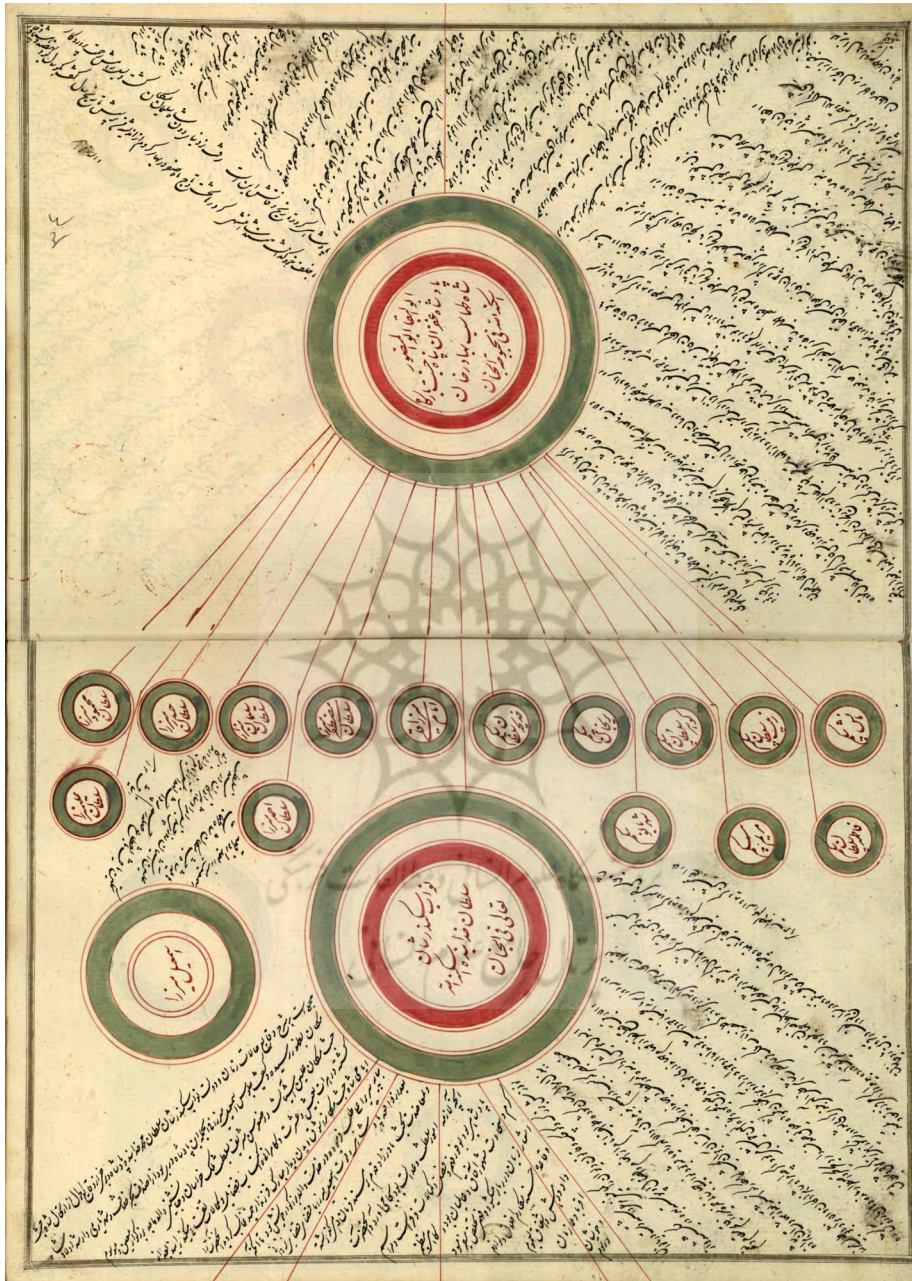




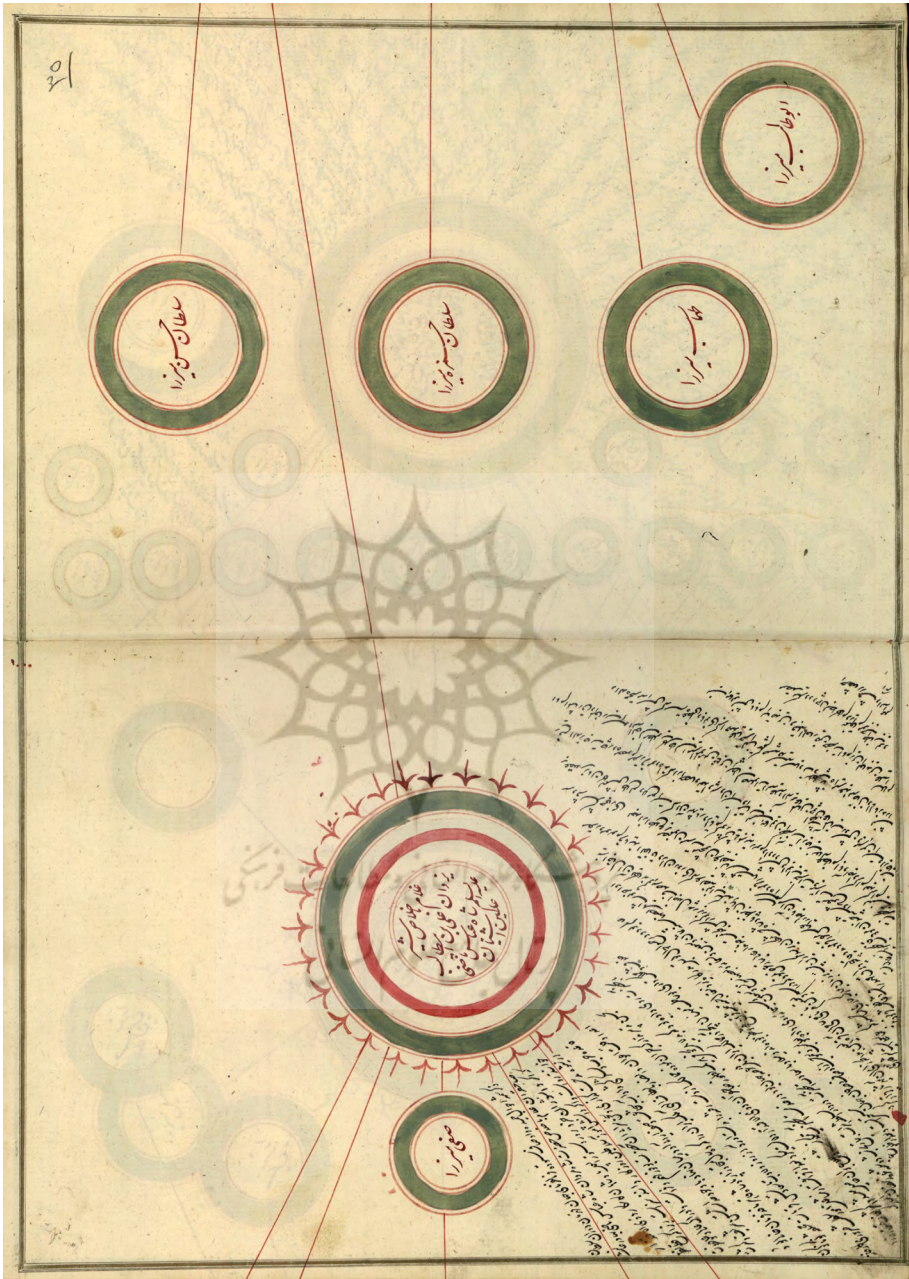
پیام بهارستان / ۲۰، س. ۲، ۲۵ / پاییز ۱۳۸۸

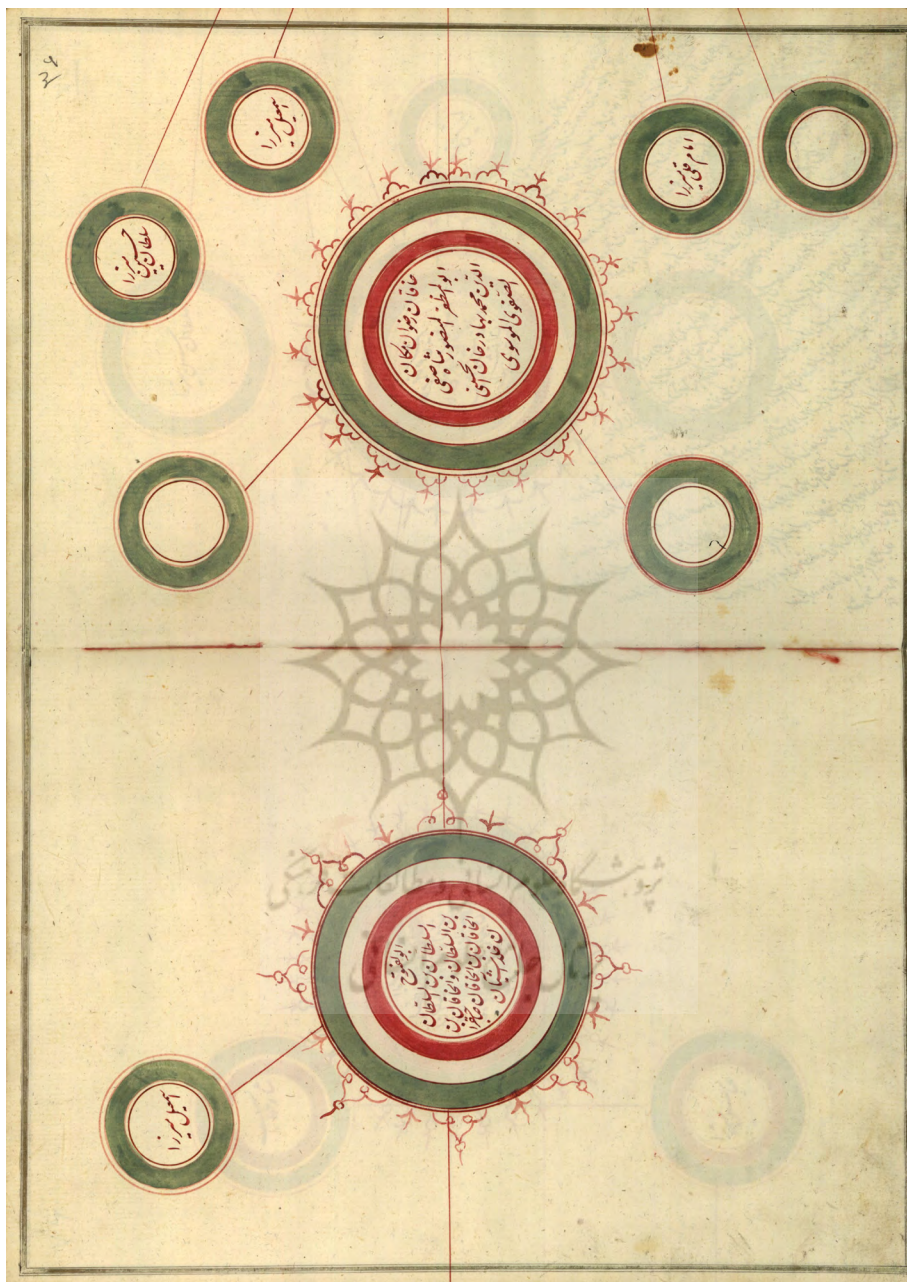


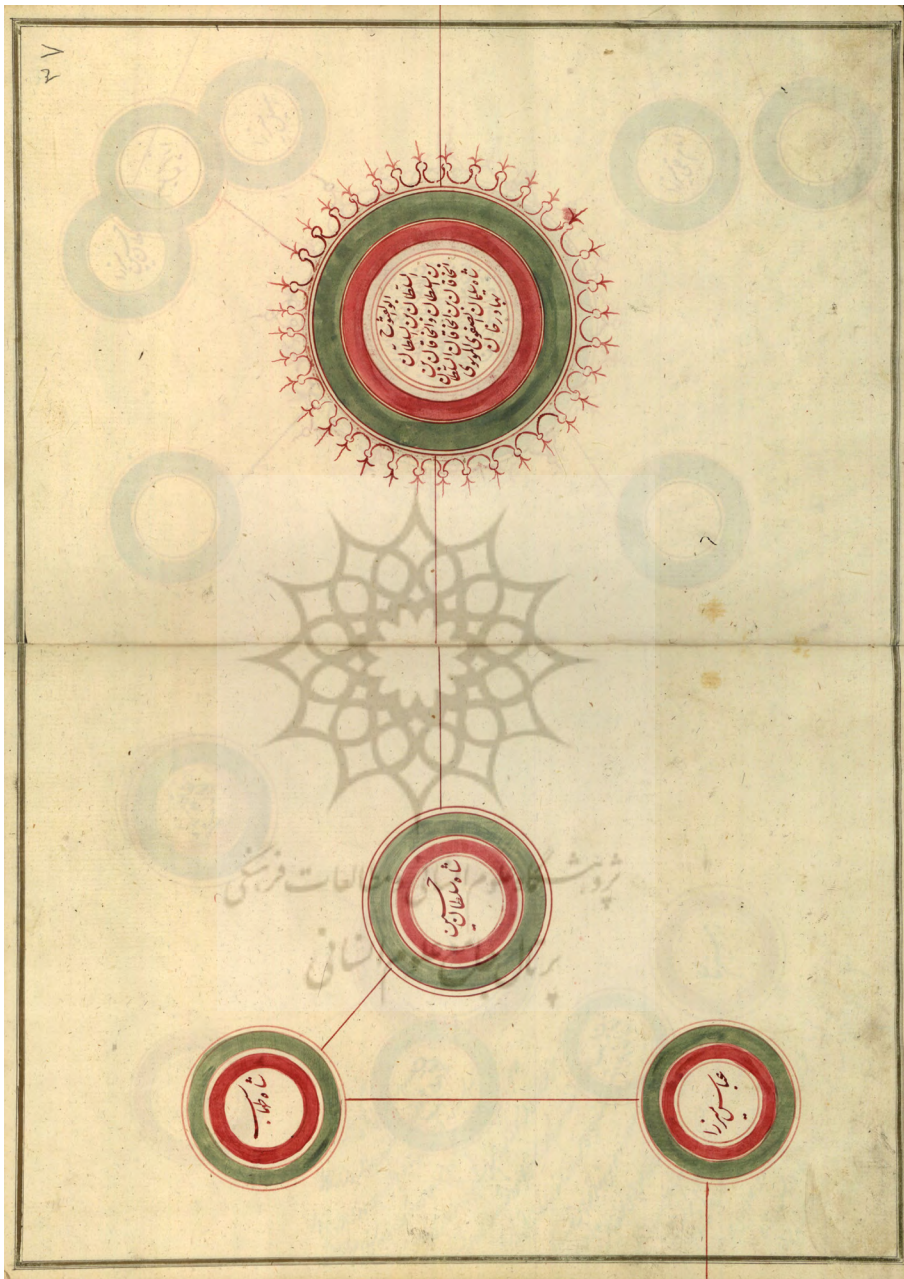
پیام بهارستان / ۲۵، ش ۲، س ۲۰۲، پیام بهارستان / ۱۳۸۸

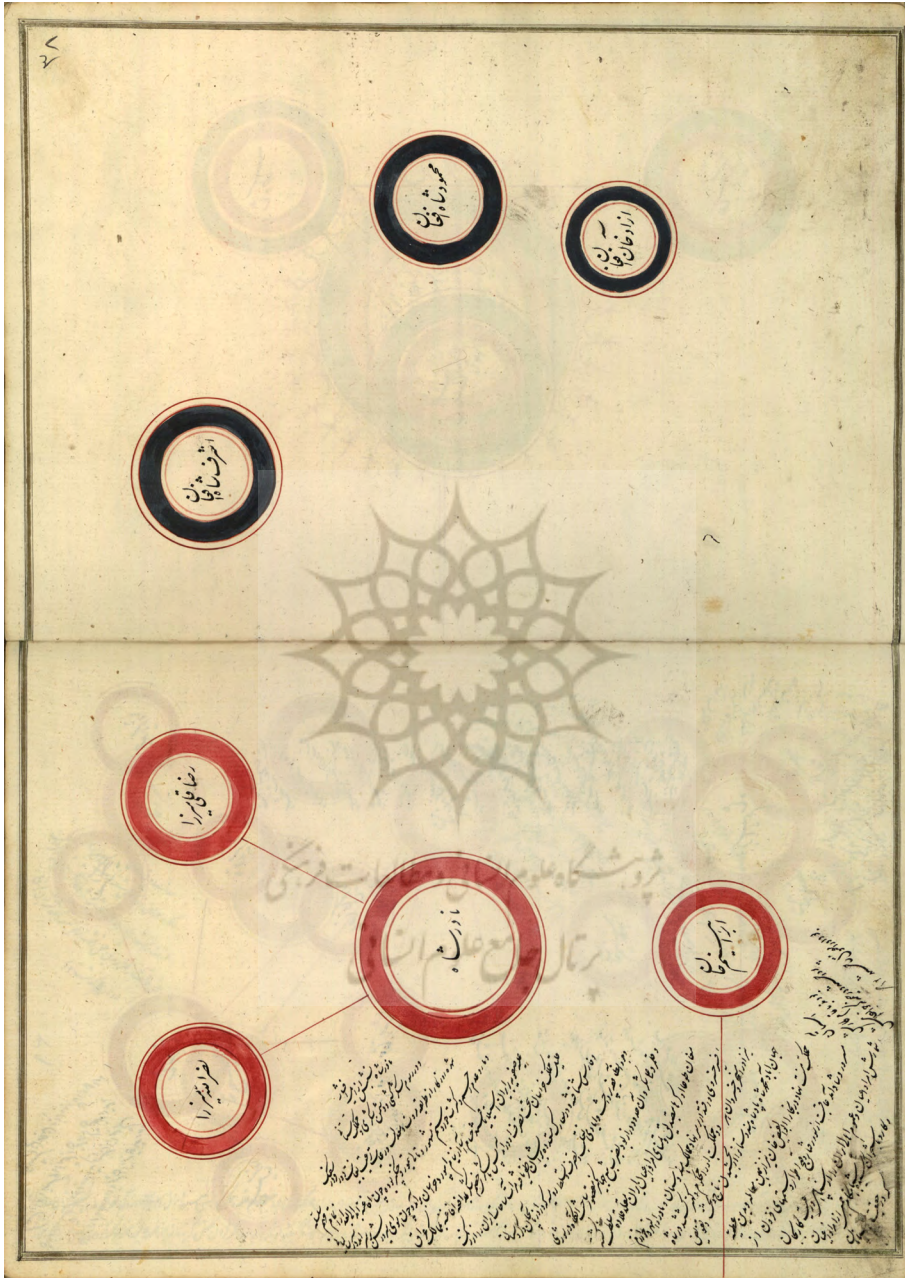


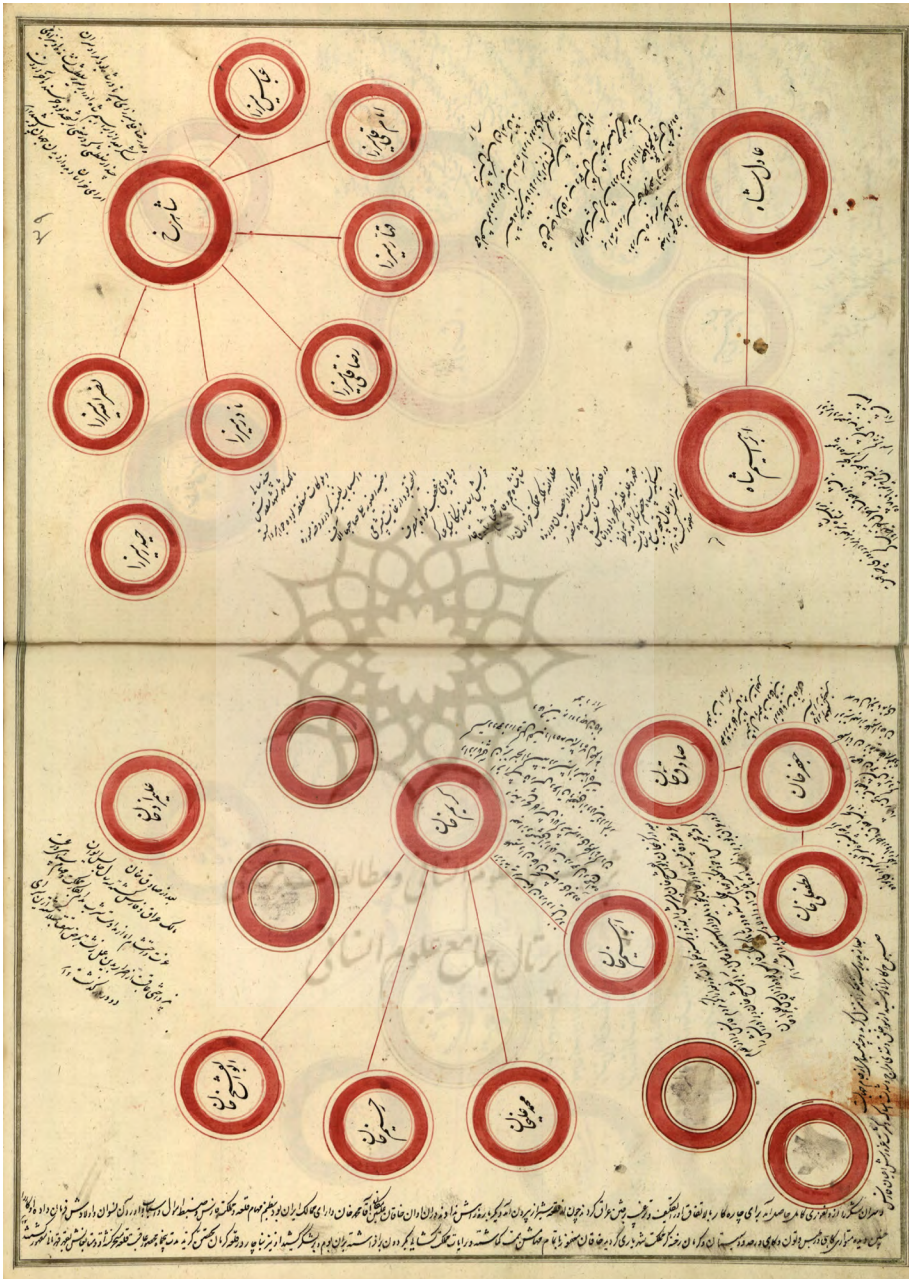
پیام بهارستان / ۲۰، س. ۲، ش. ۵ / پائیز ۱۳۸۸



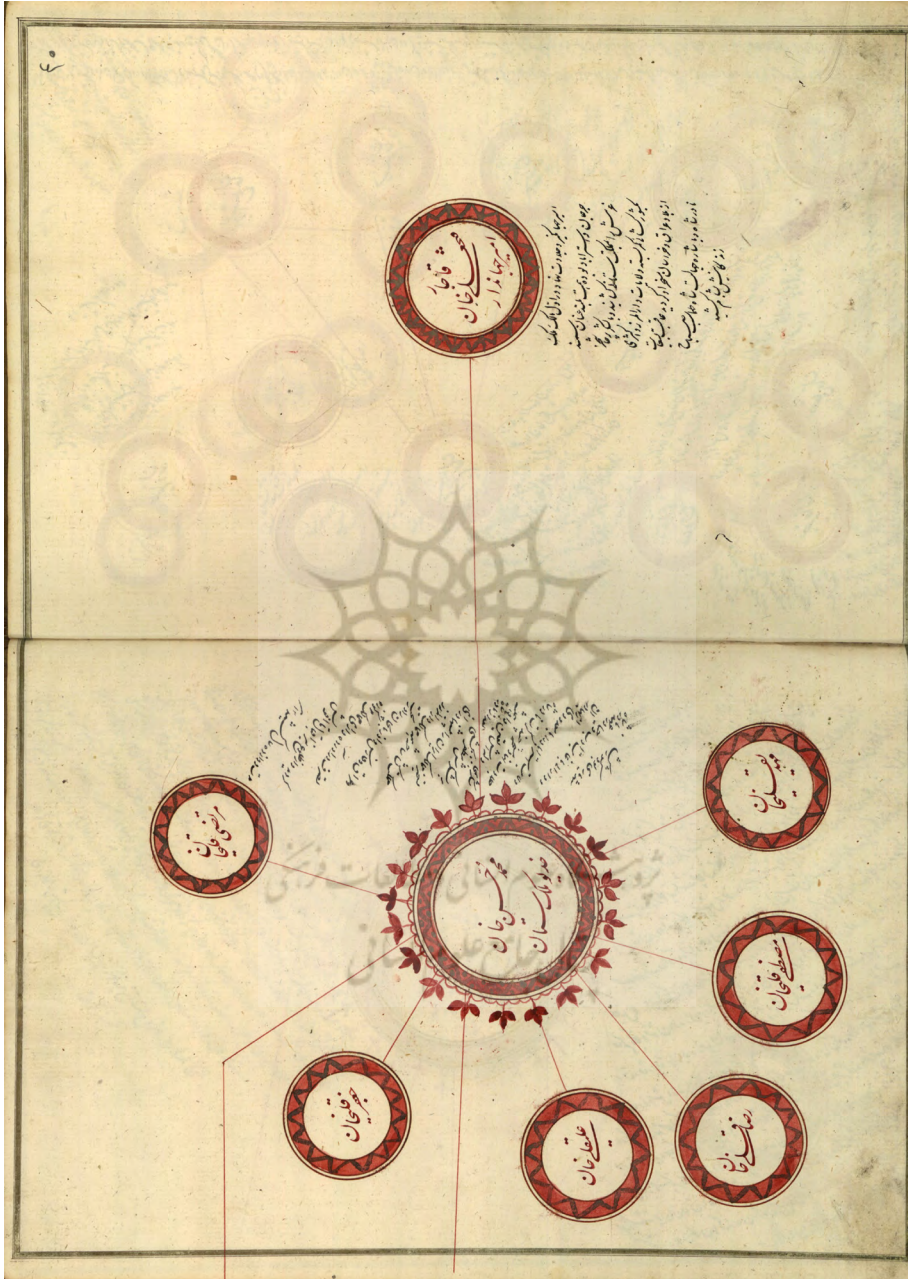


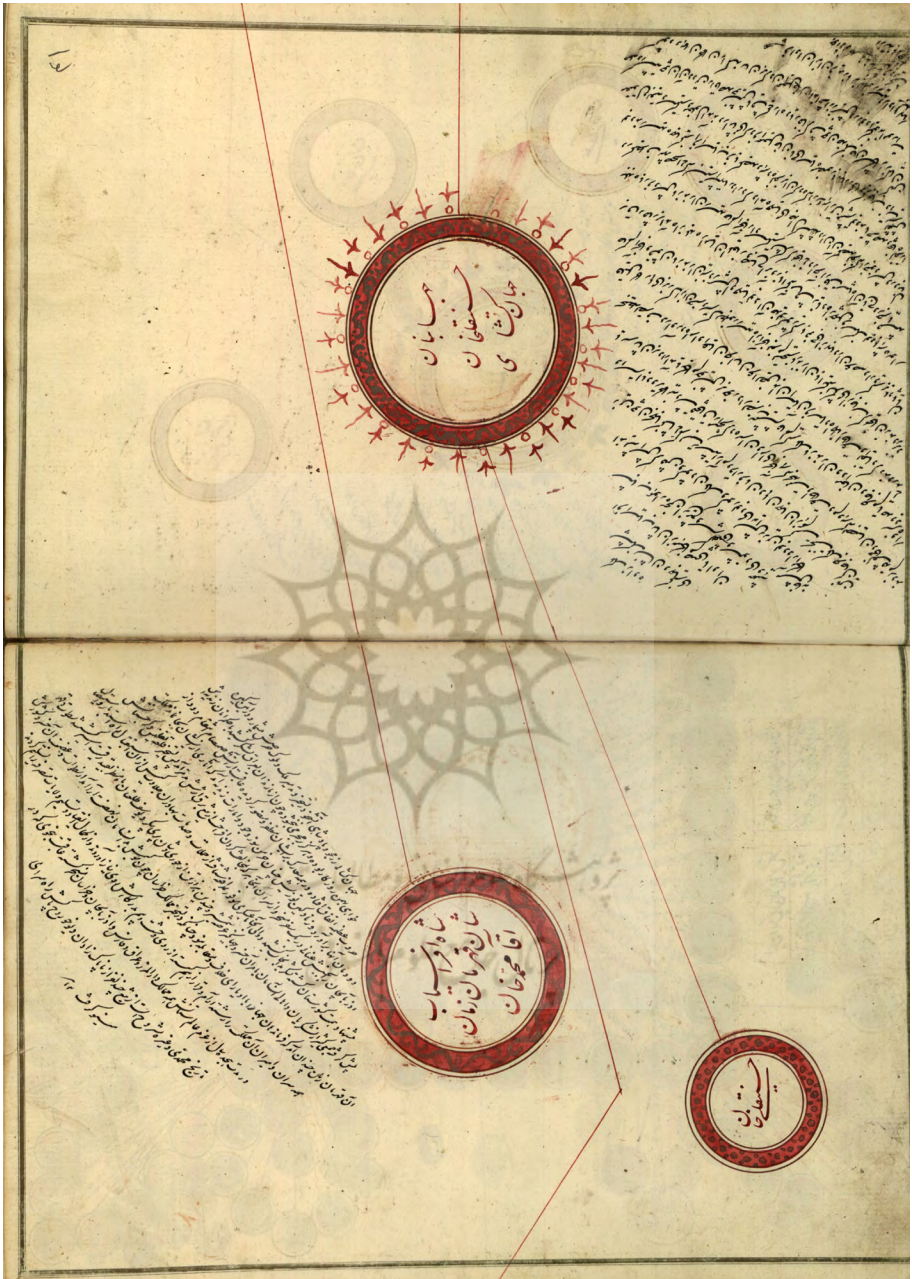






پیام بهارستان / ۲۰۲۰، س ۲، ش ۵ / پائیز ۱۳۸۸





پیام بهارستان / ۲۰۷، س ۲، ش ۵ / پائیز ۱۳۸۸

